

دکالتنامه نیز سالی یک مرتبه پس از تجدید انتخابات مجلس مرکزی
 خواهد شد آنچه را مجلس طهران بمجلس تبریز راجع بخسارت
 وارده بر برادران اعداف میلانی نگاشته محبوب
 و مقبول این خبر ملی نهایت اسباب حزن و الم
 گردید در احیان زیارت از برای آن خانواده
 علیل القدر که بخدمت با بهره در گذشته آیام موفق
 گشته اند هستند عای صون و عنایت و برکت
 و الطاف از ورگانه حضرت خفی الألفاف نمود
 و خواهم نمود عظمین باشند
 بنده استانش
 شونی

۲۸ اکتوبر ۱۹۲۵

۱۳۰۴
 فرزند گاه آستان حضرت بهارستان مع کبریا در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۰۴

اعضای محترم مجلس روحانی مرکزی اقلیم ایران و محترمته ملاحظه نمایند
بخوانند

بسم الله الرحمن الرحيم
نامهای آن مجلس روحانی نورانی بتاريخ ۳
نومبر و ۱۰/۲۸/۳۱ و سیر و اهل و از مضامین سرور و اطمینانی جدید
و امید واقفانی شدید حال فی الحقیقه آذونات محترمه و نفوس
خالصه زکیه نخبه ابرارند و مقتدا حقیقی اجاب و اخبار شریفه
مردبین جان فشاند و حسن حصین امراته را محافظان و
مارسانی پرست و وفا با نیفای و ظایف مهمه مقدمه
مزایده خویش لیلاد نفسا را قائم اند و در نشیبت
امور و ترویج مصالح جمهور و تحکیم اساس امرت خوب
سامی و جاهد در حفظ و تأمین جوار پر انوار و مقام مقدس
اعلی چنان همی بگاشتند و بسعری خواستش اینست
اجابت و نایید فرمودند که کل حیران گشتند حدودنا
مولای توانا را لایق و سزا که بنفوذ کله و قوه غالبه قاهره
الیه باران جان نثار را در شرق و غرب عالم باین
خدمت و موهبت علمی موفق و فائز نمود و اکناف و
حوالی این دو مقام منسج با از نجوم و نقل و ملک ارباب

ثروت و طمع محافظه فرمود و قوه اسم اعظم را در این ایام
عسرت و تنگی در انظار اغیار جلوه داد این خدمات با بهره
و آموزش نگردد و از صفحه روزگار محو نشود بلکه نتایج و
اثراتش من بعد کشف و عیان گردد راجع به بیت
شیراز نظر مبانی اقتصادیه عالیته حسن و اولی آنکه
آن مجلس مقدس پس از تحقیقات و تدقیقات کامله آنچه
لوازم ضروریه بیت است فراهم آرند و آنچه را احتیاج
شد بدین آن نه مرهون دیگر نمایند تا در مستقبل
بجستند و اکتفا اسبابش فراهم آید بمجلس شیراز مرجع
نمایند و پس از مشورت باین

امر مهم اقدام نمایند
بیش از این بکمر رفتن
بنده استانتان
شوقی

۱۳۴۲ / ۲ ج ۲۷

فرموده اند بنده استانتان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که برود تا استنخ نموده ۲ شعبان ۱۳۴۲

۱
بواسطه اعضای مجتهد محفل مقدس روحانی مرکزی اعضای
محافل مجتهد روحانیه در کشور مقدس ایران حفظ نامه خطه
نمایند

ای سروران شکر حیات جمال بمثال ربنا آیات
البنات بانگ موعود ملکوت را در عالم ناسوت
بلند کرد و علم مبین را در مشرق زمین برافراشت
روح حیات را در جسم امکان بدمید و چون لعه نور
در پس حجاب غیب مستور گشت مولای بعین حضرت
عبدالبهار این روح ازلیه و قوه قدسیه را سینه
متوالیات در حصن حمایت خویش بر درانید و
در او خسر ایام بنم مظهر صلاهی الهی را بگوشش اهل
پوشش در شمال و جنوب و اقصی بلاد غریب بر سر
بازوی افتد ار و اثر خامه شش بر بار جنودی از ابر
و اختیار در سبب اقطار برانگخت و در میادین انقطاع
فدایان حق را بخرق صفوف جل و ضلال امر و
دلالت کرد حقائق کمنونه را کشف نمود و ستر
جانبازی را بسپاهیان خویش بیاوخت تعلیمات

کافیه

کافی و نصاب مستفانه و مواظب حکما به برات مرغوب
 گذاشت و بمرکز انوار مطهر و منصور شتافت بر هم
 هدایت کبری را بدستان برگزیدگان سپرد و با مدد آن
 لاریه خویش از اوج نعلی وعده داد ای برادران روحانی
 در این عصر نورانی بد تقدیر زمام امور را بدستان نمایندگان
 محترم سپرده سپردگان حق را بدل و جان محافظه نماید
 مشیت الهیه شما را پیشوایان و علمداران حزب مظلوم
 فرموده افواج مؤمنین را بمقصد اعلی و خایه قصوی که
 هدایت من علی الارض است توثیق و دلالت کنید
 نمایندگان اسم عظیم آئین نازنین را از مکاره و شرور
 و اقات عالم کون حراست نماید بوسه بین بیان
 اقومید از تلوات و تصنعات دشمنان ترابیه
 که مغل و بظلم شریعت است احترام و اجتناب تمام نماید
 و طائف مصرطه میره خویش را بیاو آید و بنات شخصیت
 و خشوع و تذلل و انکسار و حکمت و انقطاع بخدمت عموم
 و ترویج مصالح جمهور بردارید این بنده ضعیف از احزان
 و صدمات وارده و تعدد و تنوع مشاغل و غوائل جدیت

از

از مکتبه و مرز سلسله با آن ذوات مجرب که در حمل این ثقل
 اعظم شریکین که سپهر این عبودیت کما فی فی و یلیق محروم ممنوع
 چه که از امرات آنا فانا و آساع و عده مقبلین
 مستخصین دراز دیاد سسه کنون کشوف و نسام
 جان پرور فتح و فلسفه سر روحانیان در تمام اقالیم در ره
 و مرور در ارض اقدس این عجد غریق مشاغل گوناگون
 دور و بیای اوراق و اشغال افکار و چنان مستغرق که
 دقتی راحتی و آسایش مفقود و فراغت اسودگی
 سلب وقت آن است اعضای محافل روحانیه
 که بجزه ابرار و قدوه اصحابند بنام قوی در توسعه دایره
 خدمات خویش علی قدر مقدور ممتی جدید بکارند و
 بحسب تعلیمات الهیه پس از مشورت تام بحسب اقتضا
 زمان و مکان بوسالی استقنه مشیت گردند و رسید
 احتیاجات اینکار و وطن خویش بقدر استطاعت و امکان
 قدم اول بردارند و طائف محافل روحانیه که در ابتدا
 شرق به بشیر دین الله مشغولند در الواح مقدمه مصحح و
 ثبوت تحبیر اخلاق است و تمهید سارف از

جمل

جل و نادانی و دفع تعصبات است و حکیم اساس دین صیقلی
 در قلوب و نفوس اعتماد نفس است و اجتناب
 از تقلید حسن زریب و نظم در امور است و تنگ
 لطافت و نظافت در جمیع احوال و شئون راستی
 و صداقت است و جرئت و صراحت و شجاعت
 ترویج صنعت و زراعت است و تشبیه ارکان
 تعاون و تعاضد حریت و ترقی عالم نسبت
 و تعلیم اجباری اطفال از بنین و نبات است حکام
 اصول مشورت در بین تمام طبقات است و وقت
 در حسن معاملات تاکید در امانت و دیانت است
 و صدق نیت و طیب طینت و نجات از قیود عالم
 طبیعت تقدیس و تنزیه از شر و مفاسد قویستولی
 بر بلاد عرب است و تنگ با اعتدال در جمیع
 شئون و اوقات تفنن و تدقیق در علوم و فنون
 عصری است و حصر نظر در ترویج مصالح جمهور محقق و
 تفرس در الواج سماوی است و تطبیق تصور الهیه
 بحالات و اوضاع و شئون حالیه اجتماعیه عدم مداخله

در امور مشوشه اعزاب است و عدم اعتنا و تعرض به
 مخاصمات سیاسیه و منازعات ذمیه و مبادی
 سقیمه اجتماعیه عالیه است صداقت و اطاعت
 قیاد و لسانا با حکام مشروفه دولت و حکومت است
 و احتراز از مسک و افکار و آراء و اینه معتقدین و
 منجدین احترام و توقیر و تمجید و پیروی ارباب
 و صنعت است و تکریم و تعزیز صاحبان علوم و مدار
 حریت و بدان است و عدم تنقیب و تعرض بعیان
 و رسوم و عادات افراد و اقوام و ملل این است
 از جمله احتیاجات ضروریه امم شرقیه این است
 و طائف بمرمه محومه اصلیه امنای رحمن نمایندگان میان
 اعضای محافل روحانیه ای عزیزان جان نثار
 معشوق آمال در اندیشه چهره نگشاید مگر تائیس و
 ادامه و توسعه صندوق خیریه که از قبیل در مکاتب
 اینجدا اشاره و تاکید گشت ملاحظه فرمایند
 که از کلک میثاق چه تاکیداتی مصره فائز میفرماید
 « شرکت خیریه از تائیسات رب البریه است

زیرا

زیر امر قبی اینام و کافل راحت فقرا و عجزا و مساکین انام
 است و سبب تعلیم اطفال و تبلیغ امر حضرت رحمن
 باید این شرکت خیریه را نهایت اهمیت بود تا نفوس
 از سلفین تعیین کردند و در اطراف به تبلیغ پردازند
 ترتیل آیات نمایند و نشر نفعات کنند و تلاوت
 کلمات فرمایند هر نفسی که معاونت شرکت خیریه
 نماید در جمیع مراتب نایب و نوفیق الهی شال گردد و هر
 نواقصی کامل شود و سبب عزت ابدیه آن نفوس
 گردد یا اجازت الله علیکم بهذا الامر المبرور و اخطا الموفور
 و السعی المشکور و سوف ترون ان کل جمعیة خیریه
 اصحت مؤیده بخود من الملائکة علی و قدرت منصوره
 بپیوش من الملکوت الابهی مقصود از شرکت
 خیریه همانا صندوق خیریه است که برور ایام چون توسعه
 یابد اعضای محفل در نهایت دقت و موالفت و اما
 تبرقات یارا از سرمایه شرکته قرار دهند و تمام واردات
 و منافع این شرکت خیریه را صرف تقدم و پیشرفت امر
 و ترویج منافع عمومی نمایند امید و طید این عبدان

که

که با اداوات غیبیه و برکت سماویه و اثر و عده های آیه
 سروران جهود مجتهد ملکوت الله بفتح و ظفری با هر نائل کردند
 و باجر آتانی موفق شوند که کل جانیان از امر و امور و حاکم و محکوم
 حیران مانند و در صفحات شرق بلکه در تمام جهان از متقدمین
 و متأخرین گل شهادت دهند که در باقی اعظم و داروی اکمل و
 اتم این عمل مرموز در قبضه بهایان است و یگانه حلال
 مشکلات مترایده عالم انسان همانا روح مشفق حضرت بهار آیه
 است که در قلب جهان نباض است و در عرق کائنات
 جاری و ساری آنچه را با بحال انسانی رحمن در انتظام
 و استحکام شریعت مولای عالمیان در آن بلدان جمعا و
 منفردا بآن موفق گشته اند فی الحقیقه قابل تعجب و تعریف و
 توصیف و تقدیر است در سبیل محافظه بیت اعظم که
 حال بقدر حقی قدر در جنگال اهل ضلال بذلت کبری مبتلا
 فدایان اسم اعظم روحی لهم الفداء در میدان مبارزه چنان
 همش بجای شدند و صولتی بنمودند که عالمیان از قریب و بعید
 و وضع و شریف مد هوش و حیران گشتند بساعت و
 معاضدت اولیای الهی در صفحات غرب علی الخصوص در کشور

منور

منور امریکت که حال در نزوح میدان اشراق انوار و ظهور
 اسرار است قیامی حیرت انگیز نمودند و احتجاجات شدید
 بولایه امور بی پرده و حجاب ارسال نمودند حقیقت آئین
 مقدس را بر رؤسای رفس واضح و کشف ساختند و
 وحدت جمیع اهل بهار در نظر قریب و بعید قولاً و عملاً اثبات
 فرمودند و لوله در افاق انداختند و بمصادر و مقامات
 علیا صیبت نبأ عظیم را رسانیدند در نشریات خوش بهیاری
 عبرت انگیز بملوک و وزراء و وکلای و سفراء و امار و روسا
 جزا بیانی مشیع و بخی فصیح و بیخ دعوت باین آئین بدیع نمودند
 و بوساطی مختلفه و وساطی قاطعه سه حکومت قوی شوکت بر آوردند
 فآرة اروپ و امریکت دستگیر و غیره معین خود ساختند
 حتی در بعضی نقاط اخبار بصیرت طبع و طیب خاطر با اهل بهار
 منضم گشتند و در مخاربات رسیده و احتجاجات شدید
 خود را در سلک بهائیان در آوردند احقاق حق مظلومین نمودند
 و اثبات جرم فاسقین و خائنین کردند بشارکت و مساعدت
 برخاستند و این آئین رب العالمین را بدین وسیله حدیث
 نصرت فرمودند جمعی از بهاء و سفیاجان انگاشتند که

پروان

پروان حضرت بهاء الله روحی در روح من فی الوجود سلطنته
 الفداء مثنی ضعیفایند و در گوشه و کنار بعضی از ممالک
 مظلومان خیره افشاده و پراکنده جمعشان تشبثت
 و روحشان افشوده و افکارشان پریشان و منقلب
 جنت جامعہ مفقود و از فیوضات روح القدس منزه مانوس
 اتباع را در خاور و باختر عقاید تبیین و مسلک و
 مشرب مختلف و آراء و رسوم و متناقض مبدع
 سقیم و تعالیشان مقتبس از قصص کاذبین و اساطیر آئین
 بنیادشان بر باد است و کوکیشان آفل آماکشان
 سراب است و تمام مجبودان شان فانی و زائل
 هزار شکر شایع قدیر را که حقیقت شریعت الله را بر همه
 کشف نمود و سطوت قدیمه را در انظار جهانیان
 از خواص و عوام جلوه داد عنقریب کل شهادت
 دهند که بهائیان کاسه اصنام او نام اند و از
 تعصبات جاهلان فارغ و آزاد بپوشند و غیورند
 و توانا و مقتدر بادرایت و کفایتند و خیر خواه
 دولت و ملت پرستند و نشاطند و از بهر شرف

مقاصد

مقاصدشان پر هجت و هبتا ط مستد از روح فیاضند
 و شکل بر امدادات مستابعه حضرت بی نیاز
 عده شان یوما فوناد در از دیاد و انعاس سکیته
 قد سیده شان آنا فانا در انشار در اکثر اقالیم با روحی
 بر فوج چون فارسان و لیز بتخییر قلوب و نظیر اخلاق
 و تزکیه نفوس مانوس حالمین پیام بجا آمد و در این
 خیمه وحدت عالم انسان در شرق و غرب عالم پروان
 اسم اعظم چون اعضا و جوارح یک تن متحد و مرتبط
 و در ظل نظم عظیم نمیه بسیل و تاسیس بدیته بی مثل
 مشغول عنقریب زمام امور را بدست گیرند و علم
 استقلال حقیقی را علی رؤس الاشهاد برافرازند
 و شوکت و سلطنت دیرینه را در انظار اهل کرم و ظلم
 و ارباب کثوف و مشهور سازند سزیم آیاتنا
 فی الآفاق و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب یتقلبون
 بکرات و مرآت از لسان اطهر مکرر بیان روحی لعظه
 الفد آشنیده شد که هر چند منطوق بعضی از نصوص
 کتاب الهی واضح و جان گردید و حقائق کمون کثوف

شد

شد سلطنت ناپلیون دگرگون گشت و علم غرور و
 استکبارش سرنگون شد بر لیدین آه و جنبش مرتفع گشت
 و سرشک خونین از ساکنین شواطی نهر رین جاری شد
 معشر روم اسپر عموم و هموم گشت و اریکه ظلم و اعتساف
 مضحل و نابود شد زینت ظاهره اش مبدل بذلت بختی شد
 و چین بنات و ارازل بفلک را اثر متواصل گشت ابراطوری
 نکه بجلی سقرض گشت و ممالک و سبعا اش متجزی و پریشان
 و ویران شد ولی با وجود این وقوعات مهیبه و حوادث
 موله که حکایت از نفوذ و خلاقیت کلمه الهیه نماید هنوز
 برخی از نصوص مصداقش در پس پرده قضا کنون و تحقق
 مواعید جانپوشش بوقت دیگر مریون ارض ظاهرین
 جمال آهس ای می مرکز بسنوعات الهیه گردد و مطلع هجت و
 فرج عالمیان شود ذناب کاسره علمای دین و دشمنان
 دیرین و پر کین قطع و قطع گردند و اغنام ستمیده در کمال
 رفاهیت و جلال در ظل رایت عدل محشور و قمع گردند
 صوت رجال از ارض خا باد میسکه تخراسان زلزله
 بارکان کشور اندازد و الویه نصر بر قلل آسامان موج زند

اذا

« اِذَا يَفْرَحْنَ الْمُخْلَصُونَ بِفَضْلِ اللَّهِ وَيَبْخَرُونَ الْمُشْرِكِينَ »
 از ارض کاف و رار نفوس اولوالالباس مبعوث کردند و
 پرده عجات و اشارات و شبهات موبین را بزد
 کسر اصنام نمایند و شریعت رب الانام را جبراً و علانیه
 بشیر و ناید نمایند « دولت وطنی جمال مبارک ده
 جمیع بسط زمین محترترین حکومت خواهد گشت و ایران
 مسورترین بقاع عالم خواهد شد » بهائیان در جمیع
 علوم و فنون سر حلقه دانایان کردند و کوس علم و دانش را
 در اوج اعلی زنند مرکز اکتشافات عظیمه شوند و مصدر
 اختراعات نامتنامی کردند « همچنین در دفع شر طغالیین
 و شینت شل معذبین و اضحلال فئه خائنین و ارتفاح را
 این امر بین و استخلاصی و استعلائی بیت رب العالمین
 نصوص قاطعه با اثر قلم اعلی موکد و مثبت و این بیان
 اکمل و اتم راجع بیت اعظم از مصدر شینت مالک ام شصت
 سال قبل نازل میگراید » و او که نازل فی ارض التستر
 فی السنه الاولی بعدنا المهدی و اخباره به فیما یرود علی البیت
 من بعد لئلا یخزنه ما یرود من قبل من الذی اعندی و سرق

و عند

و عند ربک علم السموات و الارضین قلنا و قولنا
 الحق ثم اعلم بان لیس هذا الاول و من نزل علی
 بنی و قد نزل من قبله با کتبت ایدی الطالمین
 و سب نزل علیه من الذلّه ما تجسری به الدموع من
 کل بصیر کذلک القینا ک ما هو المستور
 فی حجب الغیب و ما اطلع به احد الا الله العزیز العمد
 ثم تمضی ایام یرفعه الله بالحق و یجعلہ علماً فی الملک
 بحث یطوف فی حوله ملا العارفین هذا قول
 ربک من قبل ان یاتی یوم الفسزع قد اخبرناک به
 فی هذا اللوح لئلا یخزنک ما یرود علی البیت با
 کتبت ایدی المعذبین « در این مقام
 بد حکمی نداشته و ندارد و تغییر و تبدیل حتی تاخیر
 و تعویق ممنوع و مستحیل « لا یبغی من عرف
 الا و قد یراه المنصفون مستویاً علی عرش الطور »
 ملاحظه فرمایید علم محیط الهمی را که چگونه قلم علی از وقایع
 جاگذار و جزع و فسزع حالیه بهائیان در کل اقطار
 شصت سال قبل اخبار فرموده در سر کلمه

از

از زبر و الواح منبسطه آئینه نفس و تعین و تدقیق لازم
 تا تبصیرن و منقطعین و منصفین استنباط معانی
 مکنونه نمایند و بر حقائق مودعه در قالب کلیات
 عالیات آگاه و مطلع گردند ای برادران
 روحانی ایام ایام سعی و سهروراست نه
 بیس و قنوط روز روز استقامت و شادی
 و کامرانی است نه تردد و پریشانی بیفرا
 « امر عظیم است عظیم و مقاومست و
 مهاجمه حبیب علی و امم شدید است شدید
 عنقریب نعره قبائل افزونگ و امر یکب و
 فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هندو آمیز
 از دور و نزدیک بلند شود و کل بحیث قوی
 بمقاومت برخیزند و فارسان سیدان الهی
 بتأییدی از ملکوت ابی بقوت ایقان و
 جند عرفان و سپاه پیمان جند خدا گشت
 مهزوم من الأحراب را ثابت و اشرار کنند
 « قل یا ایها الأرض موتوا بغیظکم سوف ترتفع

اعلام

اعلام الامر فی کل مدینه و ستیضی منها الدیار
 و همچنین آنچه را یاران الهی اشفتگان و لداده
 آن دلبر رحمانی حفظاً و صیانتاً لمقامه الرفیع و
 مرقده الشریف سعی و بهمت بسزول داشته اند
 حجتی است قاطع و دلیل است باهر بر قوه
 امر الله و نفوذ کلمه الله و نظم شریعه الله
 و وحدت دین الله حمد خدا را که با اثر
 مساعی جمید و همم عالیه یاران جانفشان
 حوالی مقامات مقدسه از هجوم اهل ثروت
 و طمع و عدوان بقدر مقدور محافظه گردید و
 اکناف و اطراف روضات مقدسه در دامن
 گرم الهی از تسلط و نوایای سینه اهل حق و جد
 تأمین گشت انشاء الله بتأییدات الهیه و
 هدایت سماویه پس از تاسیس بیت عدل
 اعظم و تشکیل اولین محکمه شریعه بهائیان عالم
 این اراضی مجاوره بر حسب شرح مبین و نص صریح
 بموقوفات امریه تماماً و کمالاً محول و مبدل گردد

و برور

و بمرور ایام معاهد حبسید و اینه شاهده و تصور
 مشیده و حدائق بدیه در حوالی مقامات مقدسه
 تعمیر و تشکیل و تائیس گردد و نوایای رتب عزیز
 با حسنها و اکلها در ارض مقدس جلوه نماید و
 بر عزت و حشمت و شسرت امراته بیفزاید و
 این عباد در وقت حاضر با تنسیب از اباران جان
 فشان کفیل و حافظ این اراضی مجاوره و ضامن
 تحقق این امر خطیر است ای دلی الله و ایاکم علی
 خدمت امره و صیانت شریعت
 و استعلا دین بین العالمین
 ۳۰ ک ۲ / ۱۹۲۶
 بنده استانش
 شونی

فدائی درگاه بنده استانش حضرت عبدالبهادر جت شانه
 سعید اکبر روحانی استنای نمود ۱۵ هفت ماه و چوشت ۱۳۰۴

اعضای محترمه مجتهد محفل روحانی مرکزی را بآئیندی بدیع از ملکوت
 رت جلیل خواهم فی الحقیقه آن نمایندگان محترم و امنای
 این امر عظیم در آن کشور مقدس مرجع مذات عظیمه اند
 و مروج مصالح عمومی ثابت بر امر الهی و حامی شریعت
 ناصر ضعیفانند و حافظ خیر و عجز از موانع مختلفه
 و تضییقات شدید و تعدیات صدمه لول خسته نگردد
 و پیمان و بایوس شوند بلکه با وجود این صدمات و بیات
 بیش از پیش به محکم اساس کوشند و در توسعه دائره تبلیغ
 و تقویت روابط داخله و خارجه جدی تبلیغ مبذول دارند
 چه که مطمئن بود هر چه خیریه آئینه مستند و ناظر و منتظر نصرت
 و ظفر امراته از واقعه ناله خبر روشت شهادت
 عزیزان حق در جرم عز و اندوه و تخریب و تخریب شدید عامل
 بیاد غرب فحاره گردید و بان محفل نورانی نغرافیا پایی
 مفصل اطلاع گردید و همچنین نغرافیا تا نگذشت که محافل
 روحانیه در صفحات ایران و ترکستان و قفقاز با ابتنا
 روح و ریحان و مناسبت و اتقان تجدید اتجاهاست نمایند
 امید چنانست کل باینی موفق و نائل گردند حال این عهد

منزه

منزه و منظر وصول تفصیل این واقعه مؤلمه مستم تادر
 حین لزوم بواسطه محافل غرب با اولیای امور چه در
 ایران و چه در مراکز خارجه مستقیماً مخابره گردد این خواهد
 محزنه و انقلابات اخیره هر چند اسباب پریشانی و
 قتل و غارت نفوس عزیزه مؤمنه است ولی در باطن
 همه و مروج مثبت امراته است صحت نبأ عظیم رادر
 اقا لیم بلند نماید و بر شوکت و قوه و جلوه آئین بلند
 بفرزاید بار از انبلیت و اطمینان و حید و بوجه الهیه
 و نشئت مثل اعدا و سطوح کوچک عزت ابدیه اجامه نگردد
 دارید بیان مبارک را بیا و آرید و لایستی من
 عرف اقا و قدیراه المصنفون مستویا علی عرش الطهور
 زود است عظمت و حیقت و عزت این امر الهی بر
 خافلان ارض ثابت و مشهود گردد اذ ایفج

المؤمنون
 بنده استعانتش
 شوقی

در این آستان حضرت پسر تبرستانه که کبر و دجا استغنی نمود ۲ مرداد

برادران و خواهران روحانی اجنای الهی و امار الرحمن در دنیا
ایران و قفقاز و ترکستان و افریقا و هند و سنان و ترکیه
و سوریه و عراق و غیره که طرا حظه نمایند

بها کما فی القدر

ای عشاق و فیضیان بی آفاق در ایندم که از شغل بیایان
از من اندکس فی ابجد فراغت یافته و فرصتی بدست آورده
قلب حزین را بگروه موسیقی که در مشرق زمین از تنبلی محن و
بلا بپراوه و خسیند متوجه ساخته بادی سوزان و خاطری
پریشان بیاد آن مظلومان و سوختگان نازده عدوان
مالوف و متذکریم تفاسیل واقعه مؤلمه جاگداز و
کیفیت شهادت آن اجدد اصحاب را بیاد آورده بدرگاه
ربت بی نیاز باین مناجات و مساز که ای حق توانا
و مولای بهیما تو داد رس صفائی و یگانگی اولیا
پناه خسته دلانی و دستگیر بر در زانده بی نوا قطرت
دم شهیدانت را فتم جاری و کسیران دام جنسار
نامی و منتقدی قهار از کمن اعلی نظری باطل و فاسد و سرستان
جام بلانا و از پس پرده غیب قدرت دیرینه آشکار کن

صفوف

صنوف اشقیار در رسم نیک و جمیع اودار آلیف و
 رونقی ده اشرا حقود و جور را مقهور و نابود کن و
 اصیغای مظلوم آزاد و سراسر افریقا اولیای امور را
 در این واقع جانسوز بشا براه عدالت دلالت کن
 و جمهور ناس ادر خاور و باختر بر این وقایع هولناک مطلع و
 آگاه فرما تا گناہ شرات را یکشف خالق بجهول نامور
 کن و ضما بر پاکد لایز اید افریقا افویای ارض بر نصرت
 و حمایت این فتنه بی گناه مبعوث فرما و آه غمزد کازارت
 در آفاق بخش تو شاید و آگاهی که در این طوفان خسیر
 مخربین پرتد لبین و علمای چون ابلیس چه فساد ی برانمود
 و چه آتشی بر افروختند جبال عوام چه ناست و ذنابی
 نمودند و چه رعب و آشوبی در قلوب مادمه دلان بیندا
 اشرا ربت و لمن زبان گشودند و پرده شرم و جابد برید
 ابرار جام شهادت نوشیدند و بازماندگان میروسان
 زهر بر بلایی چسبیدند طغف معصوم را جسد قطعه قطعه نمودند
 و زمان پرده نشین را در معرض فدا بشکل فطیح مقول چسبند
 اموال بتالان و تاراج بردند و مسکن و ماوای بیچارگان را

آتش

آتش بزدند هیکل آفستنه بخون پسران زمین را بدست پدر
 پیرا توان در کوه و بازار بر خاک کشاند و بنان و
 شمیر آن هیکل مقدسه خون آلود را شمره شمره نمودند
 و بهیبت نارسپردند ای منتقدتیدر این بلایای
 تنوالبه ناک و این تضییقات شدید تا چند
 عشاق پرشوق و انتقارت ادر چنگ ظالمان ارض مبتلا
 کردند نودانی که در ماندگان را صبر و فراری نمانده و نام
 تیز را ز کف برفته پس بدافت در از چوب شیت
 برون آر و آمال بشناسد ساله عزیزانت را در عرصه
 شهود جلوه ده جز تو نداریم جز تو بخواسیم جز تو نشنایم
 بر عون و غایت منو کلم و بوعود حقیقت است شاد و
 ملکن ای بنیده شنوا قدرتی بنا و فزوی عطا کن
 این امر از نیست را بقای منیع برسان و مرنگین
 این عمل شنیع را مجازاتی سریع ده خاصانت را
 از قید اسارت بر طلال بران و بر سندر رفت
 بی زوال نشان سراج آزادی و جنان را در
 قلب آن سامان بر افروز و ظلام دیگر او را مرامحور اول

کن

کن تا بجهن روحانیان در آن بدن نفس راحی برآند
 و حیاتی تازه جویند دوره فی جدید از سر گیرند
 و بساط تبلیغ آزادی و شادمانی بگسترانند قدم
 میدان عمل گذارند و قیامی عاشقانه نمایند علم
 بهت برافرازند و ولوله در اقبال شوق اندازند
 ز نام را بدست گیرند و هیئت اجتماعی را ایجاد
 بر ملا کوس ایبارزند و در بایق اعظم را بعلیادان
 تشنه لب رسانند مبادی سامیه حضرت بهانه
 علی رؤس الاشهاد فریاد زنند و مردگان بسوت
 از نام بوم موعود حیات نشسته جدید بختند ارکان
 دینت الهیه بختند و قصر شید و عدت عالم
 انسانی مرتفع سازند مصدر اختراعات عظیم گردند
 و مرکز اکتشافات عجیب شوند اسم اعظم را مستتر
 در آفاق گردانند و عالم ادنی را امرأت جهان بالا
 نمایند نونی بجز نونی و سنگی نونی مقتدر و
 نونی توانا فدیکم برومی و کسب نونی یا طالع العاق
 هر چند در مشرق زمین این نام زمین حضرت رب العالمین

درخت

در تحت محالب ظالمان پر کین مستلاد اسیر است
 و عارسان ادر بین بد شدت محنت و فشار ولی هزار
 شکر حضرت ختمی الألفاف را که با اثر تعلیمات و
 ارشادات و مواعظ حکیمانه شفقانه رب عزیز و
 مولای بی نظیر حضرت عبدالمعز جواهر الوجود لعننه الله
 که در صوامع و مجامع ادروپ و امریک با علی النداء
 بیان و اعلان فرمودند آواز نوامر آلمی در باختر مرتفع
 و انوارش ساطع و آثارش خامسه و نغماتش
 منضوع " انه قد اشرق من جهة الشرق و طلت
 فی الغرب آثاره " آن گنهای افشاده
 به غایتش در اراضی قلوب جای گرفته و آن کلمات
 و بیانات محسوسه بر در گهر بارش همی را بیدار
 و برانتهاب ساخته فیضش از حکومت علی در
 بریش است و روح از لیه اش از لفظ اخر
 در تابش حار بیون حضرت به آینه فدیکم برومی
 و راحی در ممالک شامعه آزاد بباد و نهار از درخش
 و غروبشند و از پیشرفت مقاصد عالیله خویش

و کرم

و کرم و دل شاد اسباب هیتا جولا نگاه تبلیغ
 وسیع آزادی افکار موجود نفوس هوشمند و عبور
 مستعد و طالب ارباب هنر و دست درختس و
 تخص و افکار جمهور بسبب ادبی اساسیه بوم ظهور متوجه
 و مانوس انصار و علمداران حزب مظلوم بفتح اقلیم
 جدید مشغولند و بزور بچ و تقسیم و تفهیم خلائق کهنه
 در شریعت مقدسه الهیه مالوف الواح مبارکه را
 بالسن مستعد و در نهایت اتقان ترجمه و طبع نمود
 و در آثار مهم و مجرب منتشر ساخته بنا لیس
 کتب و جمع آثار و تالیفات مجلات امریه و انعقاد
 انجمنهای علمی ادبیه و توسعه دایره اخبار است
 و مراسلات محافل روحانیه پرداخته در تهیه
 وسائل و ایجاد روابط تشبیه رسمیه با دوازد
 مقامات عالیه شب و روز سامی و جا بدنه
 با اجد نفوس از تمام طبقات و اجناس و ادیان
 مشور و مؤانسه و با نخبه فی از رجال دولت و
 ملت که بصیر و عبور و پاک طبیعت و معروفند

محمد

بدم و مسراز کثیری از کثیران حال قسم که در افکار
 و سکانت و سی و همت و افتادگی و فرزادگی و است
 و تقوی و انقطاع فی الحقیقه حریقه خادمین و خادمان
 استان مقدس است و بر مشق جمهور موقنین و موقیان
 اخیرا در میدان تبلیغ نفوز و فخری با مسر فائز و نائل
 گشته این خانم محترمه انده الهه المعزیه مارثا روت
 که سبایا و اوصافش در صفحات ادراک مسطور و ثبت
 و نزد یاران مشرق و غرب هر دو معروف و مشهور
 در این سنده اخیره بی معین و وسیل منقطعاً عن الجناح
 و حیدر افرید با فزایلی عیسی و بضاعتی مزجاة بدبار
 بلغار و صقلاب شتافت تا در آنصفحات شمع ماند
 سار بلدان ندای شدائی الموعود قدائی الرحمن را
 بسمع وضع و شریف و پیر و جوان رساند آن
 برگزیده اسم عظیم بدبار عزبت شتافت و با وجود
 شاعری بشمار چندی در عاصمه مملکت رومانیات وقت
 بود زاد و نوشته بی حسنه توکل و تفویض نداشت
 و انیس و همدمی بر خلاوت آثار و مطالعه آیات

نخست

نخت و نخواست آن سرور بملکات و مقتدای ا
 مومنان با غری آئین و قلبی آتشین و روحی
 لم قصد و وارز مقامات عالی نمود و در کرم
 در مکر که آن دیار بیستاد تا پیام الهی را شنا بسع
 تا جداران آن مملکت رساند و آثار تسلط اعلی را خود
 بدست آن مکر زمان سپارد و قوی دار و حاکمه
 آن مملکت گشت که قلب اعلی حضرت شرباری از
 حرکات ناشایسته و بعد خویش و نازل پسر عزیزش
 از ولایت خویش اسیر نمود و محوم بود و از انقباض
 کشوری مگذر و پریشان آن پای بر فرج و سلام وقت را
 غنیمت بشرد تو چه بقلب القلوب نمود و بسوی مکه
 متوجه شد علی الله سبب الاسباب بشتافت تا قلب
 از رده آن مادر غمگین را بفتا پس محبت الله بر باید
 و کین و اطمینان نسبت بخند و طیفه خویش را برون
 و غایت حضرت احدیه بانام و انجام رسانید و چون
 لعل نور شعله بسینای قلب آن شهسره آفاق زد و
 منظر و منور بدیاری حسری بشتافت فمثل هذا

فیسل

فیسل العالمون چندی گذشت که با اثر و عود الهیه و
 تأییدات لاریبیه غیبیه ملاحظه گردید که در اوراق
 اخبار که در صفحات اروپا و امریکت توزیع
 و منتشر میگردد و شمایل آن مکره مجتهد برج گردید
 و در حاشیه آن کلمات پر علاونی و عبارات
 متنبه فی که از تسلیم آن مکره در نعت و وصف
 و ستایش حضرت بهاء الله و حضرت عبد
 الباقی صادر گشته بحروف جلی مطبوع و منتشر
 این مکره که بانه خانواده طوکانه و صلواتی و ارتباط یافته
 و باین سبب بر حشمت و نفوذ و شوکت خویش
 افزوده خود فاضله و نگارنده فی معروف و
 تألیفاتش در عواصم بلاد متدنه منتشر و مشهور
 و فضل و کمالش و بیافت و استعدادش در
 دوا ارحامیه و مقامات رسیمیه و معاهد
 علمیه سلم و ثبوت و از جمله کلماتش این
 خطاب دلربا که از قرار معلوم بعموم اهل عالم نموده
 و رأی بدون واسطه و ادنی ملاحظه فی جبراً و علانیه

ط

علی رؤس الأشهاد اعلان نموده و فریاد برآورده
 که ای جمهور ناس چه بدیج پایمی است که حضرت
 عباد الله و فرزندش حضرت عبد الجبار با ابلاغ
 فرموده اند در تبلیغ این پیام بقوه جبریه اقدام
 نمودند و مشک نجستند چه که یقین مبین دانستند
 که بذرحقیقت از لیه که استسراسر این پیام الهی است
 بالمال ریشه دو اند و سرایت کند و انتشار یابد...
 اگر نام عباد الله یا عبد الجبار بیع شما رسید از آثارنا
 غفلت منماید و رو بر گردانید و طلب
 کتبشان بدقت جستجو نمائید تا آیات بیانات و
 کلمات عالی است صلح پر و محبت انگیزشان در دل
 و جان خود چنانچه در قلب من جای گرفته جای دهید...
 بسوی این تعالیم بشتابید و بر سرست و بدان بفرمایید
 تعالی تعالی قدره الغالبه علی المکنات تعالی تعالی
 کلمه انفاذ فی محتاق الموجودات تعالی تعالی
 امره العظیم المهتره من سطوته الارضین و السموات
 قد خضعت له الاعناق و خضعت له الاصوات

و عشت له الوجوه نسبحان ربنا الالهی
 ای برادران و خواهران روحانی که مظلومان
 است که این شور و آشوب را در دل و جان
 مهتران او در و پ افکنده و افزونگی رخ
 جان نثاران مومن ایران است که انعکاسش
 در قلب لطیف آن کله زمان ظاهر و هویدا
 گشته ز می حسرت و افسوس که سلاطین شرق
 و امر او علمای عظام قدر و منزلت این آئین
 نازنین را ندانستند بلکه تمام قوی بعین و قلع
 و جبر و تهدید و نشیبت و اضمحلال این فتنه
 مظلومه قیام و اقدام نمودند هیکل مکرم حضرت
 اعلی را بدار آویختند و سینه مطهر را تیر باران
 نمودند جمال قدم را در قعر زندان بینداختند
 و چسار مرتبه سرگون بلا نمودند و آخر الامر
 در قلعه مطوره حکما مدام ایحیاء مسجون و منعی
 ساختند حضرت عبد الجبار را پنجاه سال
 در سجن اعظم بانواع بلا یا معذب نمودند و

با انواع و سانس در قتل و آزار و تخیر آن مولای عزیز
 و خون بهشت بگاشتنند و اخیراً در این ایام
 با وجود احتیاجات شدید و مخابرات عده
 و شک با سبب متقنه مشینه و نوسل
 بوسال رسیده و انامه بر این کافیه و اوله
 محکم و حج فاطمه ملک عراق ایده الله اجاب
 دعوت پروان نیر آفاق مانمود و اعشانی بخوا
 قلبیه بهائیان کرد بر خاصین بیت اعظم
 کل اعتراضی بر زبان نراند و بر مقاومت سانس
 و تعدیات اهل نفاق برخواست در
 اخلاق حق مظلوم لب نمک شود و جوانی در تکمین
 ملبوسین و تسلیم نمکوبین نداد حال شیت
 خاله مولای مختار بر این فرار گرفته که نور
 شناسائی و معرفت این امر عظیم بر قلوب
 باکان و صاف دلان و زمام داران قوی
 شوکت امم غربیه بر نواکنند و حرکت
 و جنبشی در آن مقامات و دوائر عالیه ظاهر

و نمایان

و نمایان گردد تا بند ریج اتماما لوعده الکیرم این
 حرارت اولیه که در قلوب بر رستان
 امم غربیه که از اقویای ارض و نصف
 و طالب حقیقتند احداث گشته مبدل بشد
 ایمان گردد از مقام انصاف قدم بر صفا
 ایمان گذارند و بمعاضدت و خیر خواهی اکتفا
 نموده بجان فشانی و قربانی پردازند بر جسم
 هدایت کبری را بدست گیرند و نعره زنان
 و پاکوبان مسر معاکس لدود و معاند ظلم را
 پیدل نمایند و سوف بطهر الله من هذا
 الاقن نوراً و سدره و بها نظم کنس و تمویز
 من استکبر علی الله و استغنی و وجه المخلصین
 و سوف یظفر الله قوماً یذکرون ایامنا
 و کما ورد علینا و یطلبون حنفا عن الذی یطلبونا
 بغیر حرم ولا ذنب مبین زمی حیرت و عبرت
 که بیگانگان آشنا شدند و آشنا یان بگاشتنند
 دوران نزدیک شدند و نزدیکان دور و بعید

بند

نامند ای برادران و خواهران روحانی
 که اینا شرق علیهم و پروان دلداد خیر خواه
 بین ام عظیم بید در هر حال بشکرانه زبان گشایم
 نشاط و سروری بی اندازه یابیم از محبوب
 ارباب بلا آزرده گردیم و افسرده نشینیم کلام حق را
 یاد آریم که میفرماید قد جعل الله البلاء
 عادة لهذه الامة لئلا يكونوا
 انذی اشرف منه الارض والسماء باید نظرا
 بان قوة قدسية لا شرقية ولا غربية متوجه ساخت
 و در این احسان و آلام وارده نسبت جنت
 وقت آن است که قمر و قمرس در آمارش
 نمایم و معانی بگونه و اشارات مودعه
 در کلمات عالیاننش بی بریم خود را استعد
 و مینمای یوم نجات و استخلاص و مشارکت با
 باران غیب در خدمات کبته و تحقق نوابایی
 مقدسه ربت عزیز سازیم بجدت و تقاب
 در روح در میان بشیید ارکان امر و اتساع دایره

خدمات

۶۵۲

خدمات علی قدر مستدور پردازیم در دفع شر
 اشدر بعد از مشورت کامل و تدبیر و تفکر
 بقدر وسع و استطاعت کوشیم و شهن
 داخله خویش را تنظیم و زینب و بیم بر یکاکی و
 الفت و تفاهیم و تعاضد بفرماییم و در ادامه و توسعه
 و تجلیل و حکیم و تفهیم مؤسسات و تشکیلات امریه
 تا نفس خیر بهمت بلخ مبدول داریم تا از پس پرده
 قضا بدقت در چه ظاهر نماید و چه سباب
 غیبیه فی ایجاد فرماید پس لنا الا التسليم والرضا

ان سميع الدعاء و احکام

علی ما یشاء

بسنده استانش

شونی

حزیران ۱۹۲۶

فرمان درگاه بند استان خرمین البها بدر شانه مع اکر روحا تنه خ نو ۲۹
 ۱۳۰۵

۶۵۴

۶۵۶

اعضای محترم مجلس مقدس روحانی مرکزی کشور مقدس ایران
عظیم الله و ایدم و خطه نمایند

هو الله

یا انسا الرحمن واصفیا جندی قبل نامه عمومی مرقوم دارا
گردید و اخیراً تعزاتی مشعر بر نفوس حقیقه روحانی که در
صحنات غرب این ایام در جلوه و بروز است بعنوان آن
مجلس مقدس ارسال گشت اندای امر عظیم بیع تا بعد از
داعظم امم رسیده و لوله در جهان انداخته صدای
المی بوسالی حیرت انگیزم غیبری را بیدار و هوشیار
نموده و حقیقت این آئین از زمین بجد و بهمت نخبه
از مبلغین در قلوب بعضی از رجال ملت ثابت و
استوار گشته نتایج و ثمراتش آشکارا در مستقبل
قریب ظاهر و مبرهن و شهنر گردد ایران مظلوم
ستمدیده ایران را بشارت و نسبت و اطمینان بیه
و سفارش و تاکید نماید که جمعا و منفرداً بتضرع و مناجات
مشغول گردند بشکرا و تعامی موعود و الهیه بر دارند
و تحقق مواجبه الهیه را کاملاً سریعاً تسلیت نمایند

زیرا

۵۹

۶۵۷

زیرا علامتس با بر و آثار اولیه اش ظاهر و لایح گشته
سر حسله مبلغین و مبلغات و سرور خادین و خادما
شیره آفاق ائمه الهیه المقربیه ما را روست بفتح مداین
قلوب بیلا و نهما را مشغول و بکبود نماید مویده
بعضی از نامه های فرج بخش آن خانم محترمه را الفار ارسال
میدارم تا سریعاً بنیابت و نعت ترجمه نموده در
مشهد المال محل مرکزی کاغذ درج نماید و در تمام
صحنات ایران خصوصاً و بلدان شرق مملکت انتشار
فائل مطبوعه و واقف گردند که حضرت بهاء الهیه چه
نفوس مقدسه می و بیباک مجروده می در حیز انکشان
مبعوث فرموده انعکاسات این بهم عالی
عقرب کشور ایران را منور نماید و از ظلم
اسارت و جهالت و عسرت نجات دهد و آزاد نماید

و این بذالو عهد مختموم

بنده آستانش شوقی

تور ۱۹۲۸

فرهنگستان حضرت بهاء بنیاد صاحب کبریا و صاحب کرامت
۱۳۰۵

۱
اعضای محترمہ محفل مقدس روحانی مرکزی کشور ایران فقہ

ملاحظہ نمایند

جو

ای سیبیاں باوفا و خادمان و حارسان امرجال اقدس
نامہ نامی اخیر آن محفل مقدس نورانی بتاریخ ۵ ربیع الثانی ۱۰
شہر الزعمہ و اسل و بدقت مطالعہ گردید و بر مطالب و
محتویاتش اطلاع تام حاصل گشت در خصوص مساعدہ بار
بصندوق خیرتہ از قبل و اخذ تا کی گشت کہ بجز و تاسیس
و تشکیل محفل روحانی باید من دون تاخیر صندوق خیرتہ
بیز تاسیس و اعلان گردد و اعضای محفل شور ہر چند ہی ہونا
و کتب با اجای المی را دعوت و ترغیب و تشویق براخانہ
نمایند و آنچه در این صندوق خیرتہ جمع گردد تمام آن
در تحت ادارہ مطلقہ کادہ دائمہ اعضای محفل روحانی است
و هیچ کس را حق برداشت و تصرف نبوده و نیست
انچہ را اعضای محفل شور بالاتفاق فرار دهند و بر سببی
تعیین و تخصیص نمایند باید این صندوق من دون زیادہ
و نقصان ادا نماید و اگر چنانچہ اتفاق آرا غیر من آنچہ اگر نیست

قرار

۶۶۰

واعدان امراته در اقطار عالم گردد و با مال عسرتان
 ستمیده مظلوم را عزیز و آزاد و سسر افراز فرماید
 پس محزون گردید مهوم شود صابر باشید و
 شاکر و بوعود محتومه لاریتیه الهیه مطمئن و ناظر
 اینجند نهایت مشار و محتر و در کمال تضرع و ابتها
 از درگاه غنی مشعال آسایش و اقبال و نجات و
 استغاث آن بندگان صبور و شکور را بسنت
 نمایم آن نفوس زکته فی الحقیقه فدای اعلاهی
 این امر عظیم الهی گشتند و در کجوت ایچی با جبر و شاک
 جزیل نائل شدند روحی لفظی تقسیم الفداء
 زود است مستقم قهار زلزله بارکان دشمنان ایداد
 و یاران معذور را مفتخر و آزاد و عزیز و دلشاد فرماید
 ولایقی حرف الا وقت ذریه

المنصفون مستویا علی عرش

الظهور

بنده استانش شوقی

فرمان درگاه بزرگ حضرت علی الهیه در شانیه کبر و در راه تهنیت ۱۳ شهریور ۱۳۰۵

ایمانی الهی و اما از من در کشور مقدس ایران و تقاضای
 و رستان و صفحات بند و ستان و اقلیم مصر و
 عراق و ممالک ترکیه و بریه الشام طرا لاطنه نمایند
 هو الله

روحی و ما اعطانی ربی فدا شاکم یا ملا المؤمنین در
 نقیب رساله اخیر راجع بگفتار و پذیر آن بانوی
 نیک اختر علی حضرت ملکه رومانی اداها الله
 کفایا للضعفاء و نمایش بتعالیم جانپرو حضرت
 بمسار الله ارواح الملا الاعلی سلطنة الفداء از
 مصادره موثوقه خیر انوبد ظهور و بروز اثراتی فرج
 بخش و اناری جان افنده اسمع این مشتاق
 مترادفا و اصل که کل ازوله و اشفتگی و تعلق قلبی
 و انعطاف آن ملکه نسبت بانجرب مظلوم حکایت
 نموده و بسناید چندی قبل در جواب مرقومه آن
 یگانه پیشوای مبلغین و مبلغات مس ما را روت
 خود ملکه بنفسها جزا و علانیه لغرافیا بان مؤمنه مومنه
 راستا مخا بره نمود و تمنای ایصال این پیام روحا را

بهاییان

فرار و محسوس و مجری است هیچ نفسی را منفرد اشتقاق
حق تصرف در واداست محافل روحانیه نبوده و نیست
باید بیست پس از ثبوت و تفحص و تدقیق در لوازم امریه
و احتیاجات نفوس بقدر قوت و استطاعت
خوش تخصیصانی معین نمایند تا افراد مجتهد و مختارین
از تمام طبقات برود ایام مساعده گردند و منافع عمومی
و مصالح امریه نیز ترویجی بسنج باید و همچنین تشکیل دادگاه
و توسعه صندوق خیریه مرکزی کشوری هم ایران که از الزام لوازم
و امور اساسیه محسوب تا بحال نحو یک باید و شاید
مشکلن بگشته باید اجای الکی و اما الزمن را در تمام کشور
ایران باین امر مستم دالت کرد زیرا اعانه صندوق
خیریه مرکزی مقدم بر اعانه صندوق خیریه محلی بوده
و هست چه از عوامل مهمه بگانه محور اقدامات
و تشکیلات و تاسیسات امریه است حسن ادلی
اگر عموم افراد در تمام تسلیم ایران و محافل روحانیه نقاط
امریه مسترکا بصندوق خیریه مرکزی مسترکا اعانه نماید
تا اسباب ترویج این امر عظیم در مرکز و سایر نقاط کما

بنی
۹۹۱

بنی و بین فراسم گردد و واداست صندوق خیریه
مرکزی بنامند در تحت تصرف واداره مطلقه اعضای
محل روحانی مرکزی است و تقسیم است علی و قایه
امر و اعزاز دین و بسط تعالیه و هدایه خلق فی ملک
الانکار بنده استانش شونی

توز ۱۹۲۶

۱۲۱۱ هـ ۱۹۲۶ از حیاب شیراز بصیبت زوگان جهرم
جناب سید احمد روحا جناب محمد بن جناب خرامنده زادگان
جناب پرویز گادان جناب ابراهیم گادان علیهم فضل الله الملک
الغریز المشان

اینها الصابرون فی البلاء بر چند نیران ظلم و عدوان شعلش
بنان آسان و سهل و آن از نازندگان شدای عزیز ریشان
و مغوم و گرفتار ولی این واقعه مؤلمه و خبر وحشت اثر و لوله
در آفاق اندازد و شور و ولجی بسید و انجذاب و شامی
شدید در قلوب منادیان اصل غرب احوال نماید روح
شوت و رسوخ و انقطاع و جانفشانی در هیال کل آن نفوس
بدیه و اعظم تبلیغ را از ویجی فوق العاده و بسیار شتر

واعیان
۹۹۲

بهایان مظلوم بنمود که بقین مسین بدانند که در
 احساسات و عواطف قلبیه با شما شریکیم و بر عهد
 مودت قائم و ثابت آماں و آرزویم تعمیم پیام بدیع
 حضرت عبدالبهاس است انی حمداً لربنا الی الی با
 بتکنا الاستار و امطر فیضه الدرار و کشف
 ظلام الانحران و الاکدار بطلوع فجر وعده المحکم الکریم
 مال بفرموده مولای بیما حضرت عبدالحجج روح الوجوه
 لرشحات قلبه الفداء بایست طلوع است و آغاز طلوع
 جمال موعود من بعد بر جهان و جانیان کشف معلوم
 گردد که این بهار چه بهار روحانی بود و این قرن چه قرن
 نورانی و آن حسنه الوعد غیر مگذوب ولی ای برادران
 و خواهران روحانی کمان زود که آن متوجه
 الی الله و شبیفته تعالیم مقدسه حضرت بهار الله تمام
 و کمالاً بتمام شناسائی و معرفت حقیقی این آئین عظیم
 رسیده و ندای است مظهر ظهور کلیه الهیته را چون مؤمن
 دل داده تصدیق و اجابت نموده این قبول و اذعان
 بنور در پیش است و بجهت نسخ و نظری بی شیل از عقب

تا تقدیر است می قسم بر ارفق قلب ممر و آن ملک
 ظاهر و شرق فرماید سیوفی الله و عده و بعین امر
 مکان مفعولاً آنچه تا بحال واقع گشته و تحقق یافته و
 صفتش اقالیم سببه را فرا گرفته همانا شهادت
 پر علاوت آن ملک قوی شوکت روشن ضمیر است
 که باین مضمون در بین حشائین خود اعلان نموده و اثباتاً
 داده که پیام سبحون و مظلوم عالم کاشف کروب
 و موم این جهان صغالی است و صلال مشکلات ترازید
 عالم انسانی جهت جامع شراخ الهیته است و
 دافع و رافع اختلافات و تبایات مذمبیه
 است اساسش روح الهی است و قوه دافعه اش
 محبت الله و جهان مجذوب و شبیفته حقیقت آن
 تعالیم و مبادی سنا بیه گشته و بجدی فرج و نسیبت
 و اطمینان حاصل نموده که امرهای لونی صادر فرموده
 تا آنچه از کتب و صحف امریه موجود و بدست آید بجهت
 سلطنت ارسال گردد تا بصیبه نوسیده خوش
 نضاج قلم ابی را خود تقسیم و تلقین نماید و از بدو جانش

آن امیره پر استعداد را بروج نباض شریقه حضرت
 بمآ آتیه مطلع و آشنا گرداند خدا اول حرکت
 شاعت و ذاعت صیتهای اقطار و سوت
 یسمن المیزون نمانت ذوالصاقور و نقرت
 خدا القور ترن فی قطب الافاق بان چند الم
 الغالبون و این عجب نظر باعلان عمومی و پیام خصوصی
 که اعلی حضرت مکه انتشار داده و بجهت عیالین
 ابلاغ نموده از لسان برادران و خواهران روحانی
 در بلدان شرق و غرب مراسم قدر دانی و مرتب
 شکر گذاری زار است اجراء اظهار نمود دعا و
 نضره نماید تا آنچه مقدر گشته رود تر تحقق یابد
 و انعکاسات این امر خلیه در قلوب زبردستان
 تأثیری شدید بخشد و بی توایان را بتدریج از طرد
 بلارماند و باوج رفعت و رخا رساند و در آینده
 در صورت لزوم و حسب حاجت محافل مرکزی اشاره
 خواهد شد که چنین اظهاری از طرفت عموم بایان
 در تسلیم خویش نمایند ولی عجا که تا مخابره از طرفت

محافل

محافل روحانیه و افراد یاران سخت نه و لازم نیست
 ای جان نشان سبیل الکی از قرار محاکمات
 وارده اشقیاء و محرمین فاجعه محسوم بجزای جرم
 برسیند و از قید قصاص و عقاب رهاست
 یافتند از قرار معلوم ناره فساد در اندیشه
 منور مشتمل و یاران بی امان و منشست و هراس
 بدخا امان و جفا کاران در گیسند و عزیزان حق بی
 بجا و معین عوامان گمی دست تطاول گشایند
 و گمی بگرد سینه فی جسد پیر دارند زمی حیرت
 و عبرت که با وجود این وقایع فحیسه و تعدیات
 شنیعه و احتجاجات شدید و مخا برانت
 عهده سفرا و وزرا و حکومت و ارباب
 حسبراند و صاحبان علوم و معارف در اقطار
 منته عالم و بیان نام ششیع و بسوط و متسین و
 حامی که اعضای محترمه محفل مرکزی روحانی اقبام مرکب
 ریاست بطهران ارسال داشته و مقاله فی که آن
 بیست محترمه بسبب حربه از جبرانه معتبره معروفه

امایات

ایالات متحد و کند ارسال داشته اند و ترجمه هر دو
 لغت ارسال میگردد با وجود این اقدامات و محاربت
 محرکین و مرکبین و مجربین مواخذة نگشتند و بجای
 اعمال شنیعه متبیه خود رسیدند و در دربار عدالت
 کما فی ذی ولین محکوم و معذور نگشتند بلکه بالعکس بیگناحت
 مستی از علمای سوره و تهدیدات سخیفه آنان بعضی از
 مفسرین و محرکین ستمگر گشتند و نجات یافتند
 آنست نفوس که در حشاش از ظلم اعلی نازل بتالقوم
 بحکم علیهم کلابهم الا انتم من الاخرین مقصود
 انتقاد و تزییف و اعراض بر حکام و زمانداران محترم آن
 اقلیم جلیل بوده عاشانم عاشا این مظلومان بی گناه
 بگله ای که مغایر اصول و تعلیمات و تاکیدات مصرحه
 قلم اعلی که در توفیر و اطاعت و خیر خواهی اولیای امور
 نازل گشته تفرقه نمایند پس لنا الا لتسليم و الرضا
 و الاطاعة و الا نقیب و الخنوع و الخشوع و الا استغاثة
 الی الله و التوسل الیه ان یؤتی حصره السلطان علی ما
 هو خیر لینی ملک و مملکوت و مبارک سریره بطراز العدل و

الانصاف و یجعله ناصر الامر المبارک المقدس
 المنزه العظیم ای ایران پر وفا هر قدر طوفان
 بلا شدیدیتر و اریخ محن و رزایا سوزنده تر گردد
 محیط عظیم امرالمی امواجش مرتفعتر و جوش و خروشش
 قویتر و در رونقالی افکنده اش بر ساحل
 وجودشین نزود بعتر مشامده شود چنانچه نجات
 و برین گشت که فشار تضییقات اخیره زحاکم تقید
 اشم میدانی وسیع و پستی بدیع و جولا نگاهی جدید
 بر وجه اهل محب گشود و مغلوبیت و مغروریت ظاهر
 ستم دیدگان راه یزدان در ایران علت رفت
 و استعلا ی امر مقدس در مقامات عالی گشت
 مشیت حق تند بر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه
 الهیه چنین اقتضا نموده که خاصان حق در کشور مقدس
 ایران مال و منال حتی دم مطهر خویش را ایثار نمایند
 تا شجره امید سعایت گردد و ببرکت و مینوه های
 گوناگون مزین شود و بر در ایام اقوام و قبایل و ملل تنوع
 مشبا غننه اور و سپ و امریک و تاجیک و

و در غلظت غلیظش در آورد و تا لیف در
 نامه مسنده موجهه لا مشیل لها فی الابداع یتمناها
 حل خبا، البجد فی الجنته العلیا خوشحال شما ای
 برگزیده گمان حضرت کبریا چه که نخبه حس را برید و
 سرور اختیار در بونه امتحان گزارا و مرار چون
 بسا بریز رخ برافروختید و از لواعق افتتان
 همیش و افسردگی کشید، شاید مناد بان حقیقی
 در حال الهی لمح از غیبید و چون شهبان در سم
 امکان نباش عرق جیانید و مایه نجات و
 سعادت جهان و جهانیان حال با وجود این
 موانع عالیته و متاعب و مصائب مستتابعه
 عدیده نایسته و سزاوار چند بهمان است
 نه سالکان سبیل اقوم در کجوه خد بلا در ابراهیم او
 ایفای وظایف بر نه مقدسه خویش نیز سعی
 کامل بسدول فرمایند هر چند مبتلا و پریشانند
 و بقدری از آنچه فریضه است سزاوار اهل بهاست
 غفلت نمایند و اعمال و فنون بجز در راه دهند

شاید در این کتاب
 در بیان این امر
 بسیار است

و از فراتر مهره که از قبیل آن اشاره گشت
 اعظم و الزم از کل امر محتم تبلیغ است ز نماز نهار
 امر تبلیغ و فیه فی معوق و معطل ماند زیرا امر تبلیغ
 مقصد اصلی اقدامات امریه ایران است
 و مایه سعادت ابدیه آنان باید هر وسیله ای
 که ممکن و میسر باشد جوانان بهوشیار پاک طینت را
 رغیب و تشویق نمود تا نور سیدگان از زمین و بنا
 مبادی و اصول تبلیغ را بیاموزند و بلزومیت
 و فوائد و منافع کلیه آن اقناع و آشنا گردند
 و از جهه فرائض حتمیه اجبای الهی تبیین و اثبات
 عمومیت و جامعیت و علونیت آئین حضرت
 بهار الله است باید بشورت و صواب بدی محافل
 روحانیه بوسائل فعال تثبیت نمود و با جبراه
 منسبینه نوسل یافت تا یکجا گمان از تمام فرق
 و محل اقناع شوند و اذعان نمایند و شهادت
 دهند که پیروان حضرت بهار الله فی الخیفه قلباً
 و فعلاً و لساناً عالم هستند نه خود بین خادمان حقیقی

نوع انسانند و در غیر خواص و خدمت گذاری
 مهربانی هیچ نیست، فرقه و طبقه درونی را ترجیح بدهد
 دیگری ندهد. مستثنی و خارج نشوند از قیود
 و سلسله تالیفات فارغ و آزادند و از حیثیه
 جاهلیه دور و در کسار ولی باید این مقصد
 عالی در محافظت و خیالطه و معاشرت با مردم
 از تمام طبقات دنیا اثبات گردد. بقول و
 ادعا اکتفا نشود همه سیمه اصل الهی بشری
 للعالمین و همچنین اهتمام در ادامه و توسعه
 صندوقهای خیریه محترم و مرکزی از لوازم ضروری این
 ایام محسوب از اول تاکید گشت که از برای
 پیشرفت امور روحانیه و فتوحات امریه بسیار
 مادی و وسائل بایسته لازم تا این اسباب بهتر گردد
 پیشرفت کلی مستنی و محال علی الخصوص صندوق
 خیریه مرکزی که در تحت موافقت و اداره محل روحانی
 مرکزی است. باید بنام قوی کوشید تا اداره اش
 یونانیها اشپاس باید و اساسش استوار باشد و

محکم و متین گردد و از جهه و انصاف آیه اصل بسیار
 سعی نماید در تنظیم و تنظیم اساس محافل روحانیه است
 بجهت موفرازم نشان در است و نفوذ و فعالیت
 و رونق این محافل نورانیه آفاقا تا از دیا و باید چه که
 اعضای منتخبه این محافل روحانیه را فعین بنیان
 اقومند و نمایندگان اسم عظیم در انظار دول و ام
 مؤسسه بنی بنی شایسته و مثلین و عدت
 و سطوت جمع اصل بسیار باید محافل روحانیه با یکدیگر
 عقد مشورت بنهند و در تبادل با یکدیگر و از
 و ایجاد و مسائل مهمه تمسینه همت علی بخارند تا
 تشکیل و انعقاد انجمنهای شوروی ملی روحانی فراهم
 گردد و بر حسب تقیضات مقتضیه که در وصایای مبارکه
 مصرح و مشروح است انتخاب است بایسته در هر قلمی
 دایر گردد و بوقت عدل خصوصی بنام مبادیه و
 تعالیه تشکیل گردد و بعد از آن سبب و تنظیم این پیش
 عدل خصوصی در انتخاب است بین المللی تشدید مشارکت
 نموده بنسب ان رفیع بیت عدل عظیم را مرتفع سازند

ملاحظه نمایند و وظائف و مسؤولیت این
 محافل روحانیه چه قدر مهمست و عظیم است باید
 در امر انتخابات ^{مخالف} سئویه روحانیه و تشکیل
 بجهت های امریه و حکیم اساس مشورت و تصمیم
 بعد از مذاکرات و احکام تنفیذ قرارهای
 محافل روحانیه عموم ایران چه از مستجبین و غیر
 مستجبین بدل و همان مشارکت و مساعدت
 و معاضدت و تائید یکدیگر نمایند بهمت
 بهمت لازم تا نوایای آن مولای خون در عرصه
 شهود جلوه نماید

و از جمله لوازم ضروریه تشریح در استتلاخ و جسع
 و ارسال آثار امریه بارض اقدس و تدوین تاریخ
 عمومی امریه است ایران عزیز که در اقلیم
 شامعه لی ازاد بشر و عاقت مهمه پر داخته اند
 مرصتد و منتظرند که این دو امر محکم بزودی
 انجام و اتمام یابد و تمییدات اساسیه
 اجراء است آئینه آنان من دون تاخیر تحقق یابد

تا آنچه را در نظر دارند از خیر آمال مبدء ان
 ابرار گذارند و امر مقدس را ترویجی عظیم
 دهند
 و همچنین مشارکت یاران با انجمنهای خیریه علمیه
 اویته است بر انجمنی که مقصدش فی
 الحقیقه ترویج منافع عمومیست و مصالح عالم
 انسانی است باید اجبای الهی بحکمت و
 اعتدال پس از مشورت کامل بقدر قوت
 و استطاعت مساعده و تائید از انمایند
 و بعد روسع و امکان مشارکت نمایند
 ولی باید فعلاً و قلباً و لساناً از ادنی مدخله
 در امور سیاسیه امتناع نمایند و از
 مخالطه با احزاب شریره مستنازه بجنب
 و احراز جویند این احزاب سیاسیه
 فسادند و مادم بشیان دولت و
 ملت انتفاع خویش را مقدم بر خیر
 عموم دانند و از لوازم و احتیاجات شدید

وطن

وطن خویش غافل و بیزار مقلد و مغرور
 و بی کفایت و اطلاع ز بهار باران
 صاف دل در دام آنان گرفتار گردند و از
 مشارکت و مصاحبت با چنین نفوس
 از آنچه بآن مأمور گشته اند محروم و ممنوع گردند
 این است از جمله فرائض افراد بنمایان
 در ممالک شرقیه این است وظایف
 مقدسه محافل روحانیست اگر فی الحقیقه
 اولیای الهی در جمیع بلدان با وجود تعذبات
 و تضییقات و آفات و ناایمانی
 از این صراط دقیق بگذرند و از این فرائض
 اولیه خویش روی برگردانند و در
 این سبیل تا نفس احتسیر مداومت نمایند
 و طلال نیاورند و برو دست و فراموشی
 و سستی بخورند مانند مسند تا آنگاه که
 ببلوغ اندامه معانی الم تر شبهة القرون الاولیاء
 تنصق من سطوتها ارکان کل مشرک مرتاب

و مستضی و جوه المؤمنین یقین است
 پروان دلدادۀ جمال ابی و پرورده به نبات
 کبری که در گذشته ایام زهر حشر بلانی
 حشیدند و سبیل بنیان کن امتحانات لاتعد
 و لا تحصى مقاومست نمودند و در میادین عید
 پرسم استقامت کبری برافراشتند
 در آینه نیر راه و فاپوسند و این مراحل
 باقیه رنج و بلا را طی نمایند و بسر منزل مقصود
 که عزت جاودان و سعادت دو جهان
 است رسند اذا یسمعن هتاف
 الملائکة علی عوالبی للعارضین بشری للثابین
 منبیا للصابین فرحاً کل معتم بمجد الحکم
 المنین
 رتبا و ملاذنا ازل کردینا بزوغ شمس
 و عدک الکریم و خفت مومنا بزول ملائکة
 نصرک المبین و انرا بصارنا بشاهدة آیات
 امرک العظیم رتبا فرغ علینا صبراً من
 لذت

لذکرت ربنا فتح علی وجوهنا ابواب
 السعادة والرخا واذقنا حلاوة المنان و
 ارفعنا مقامنا انت اودعنا نابه فی صحفک
 وکتبت الی منی بالامن اذ الظلم والظن
 الی منی عند البحر والعدوان حل لنا من
 آمن لانا انت لا وضره رحمتک انت مجیر
 المضطربن انت سمیع دعا الملهوفین ادرکنا
 ادرکنا بفضک یاربنا الاهی
 ولا تخیب آماننا یا مقصود
 العالمین وایم
 الراجین
 بنده استغفر
 ایلول
 ۱۹۲۶

فرمانگاه بند استنجان حضرت علی بابا علیه السلام علی کبر روحا شیخ

اعضای محترمه مجلس مقدس روحانی مرکزی تسلیم این
 خطبم الله ملاحظه نمایند
 هو الله

با اصفیاء الرحمن واجائه وامتنانه ان نامه های
 اخیر آن مجلس مقدس تاریخ ۲۴ و ۲۸ اکتبر
 و ۲۰ و ۲۲ نوامبر و اصل و بر مضمون هر یک
 اطلاع کامل حاصل از خبر سلامتی باران و تقدم
 امور امریه و استحکام شریعت الله و عدم تعرض
 اعدا و اشهار فرج و الطیمان حاصل گردید
 اینجند دعا و تضرع نماید و از نسبت استنجان
 است دعا و ثنا کند که این موانع حالیته مرتفع شود
 و امور استقرار یابد و وسایل مادیه از برای
 توسعه دایره خدمات کلیه مهیا و فراهم شود
 و امر تبلیغ ترویجی سریع یابد و یوم بد جلون فی
 دین الله افواجا از افق ان اقلیم فخرش طالع و
 باهر گردد این ایام این عهد استنجان در دریای
 مشاغل همه متوجه دقیقه مستغرق و با بعضی از نمایندگان

با کفایت

اکفایت خردمند مخلص مجرب بشورت و مذاکره و
 مخابره مشغول زیرا وقایع غیر منتظره و سیر سریع امرایه
 و هشتم آنکه آنه همچنان و علیانی شدید در قلوب و افکار
 مهتران و کهنتران بعضی ممالک و بلدان احداث نموده
 جمهور عقلا و ادباء در تفحص و جستجو و ارباب علوم و فنون
 و اصحاب جرات و اولیای امور از ظهور و بروز علامت اولیه
 این ستیزه عظیم تشنه و مدیهوش امید شد با این عجز و ضعف
 آن است که پس از جلوه و سطوع انوار نیز عظم در قلوب
 و ارواح زمامداران دول و امام حزب مظلوم بنایند
 لاریتیه حتی قیوم و مدد و اقدامات برگزیدگان حق در
 اقبالیم غرب از قبور رخ و بلا برهند و با اوج عزت و
 علی چون طبر ازاد پرواز نمایند هر در قافرا احدیه را
 گوشزد و قریب و بید در ان کشور جلیل نمایند و خاستان
 فنون و او نام را بقالیم جانپور و یوم ظهور آینه عالم بالا
 نمایند مبر و استقامت لازم لعل آنه سجدت بعد
 ذلک امرای در خصوص مدرستین بنین و بنات بجز و اصول
 راپورت هیئت مدیره نامه عمومی مخصوص بایران امریک

مرفوم گردید و ارسال شد و تا یکد شد یک گشت که مخلص
 مرکزی آن اقلیم بهمت بلینج مبدول فرمانند تا یک نفر
 و نفر از نفوس عاقله مجرب به استعدادی را همراه اینته
 الموقفه دکتر مودی بطهران اعزام نمایند تا مشغول تنظیم و
 ترتیب و تقدم و استکمام شئون داخله و خارجه
 این دو مدرسه بهائی شوند و همچنین ایجاد روابط
 متبینه بی من مرکز ایران و محافل روحانیه صفحات
 امریک نمایند از آستان مقدس اسلند عا نامیم
 که اسباب و وسائل من دون تاخیر فراهم گردد
 و قدر و منزلت معاهد ادبیه علییه امریه در مدینه
 طهران کما فی فی و یبق نمایان گردد و اگر چنانچه بعد
 تفحص و تدقیق معلوم و مبر من گردد که در امور مالی
 و مدخولات و عایدات این دو مدرسه تجدی
 تاخر و غل حاصل گشته که بیم آن است لعله دو همتی نامر
 مقدس در انظار عموم وارد گردد آن مخلص قسمتی
 از موقوفات امریه را بقدر لزوم بفروش رسانند
 و آنچه عاید گردد در سبیل سده احتیاجات ضروریه

این دو مدرسه صرف نمایند و آنچه صرف کرده
 باید تماماً مش باطلاع و صواب بدین آن محفل مقدس باشد
 اینکم الله علی ما ترفع به اعلام الامر فی تلك الارض
 مبلغ پنجاه تومان اعانه بدرسه بناست که
 جناب امین پرواخته اند بسیار محبوب و مقبول
 امید چنان است که یونانیون نامشهرت و منزلت
 در انظار یار و اغیار بیشتر و نمایان تر گردد و عالم
 سازا خدمتی بامر نماید آنچه راجع بوقف اجا
 در ممالک روسیه تقسیم گرفته و ابلاغ نموده اید صحیح
 متین و تمام است امید چنان است ایران چه در
 قفقاز یا وجه در ایران از خط اعتدال خارج نشوند
 انحراف بخوبند زیرا سلامت در این است و ماعدل
 مخالف اساسه المحکم المتین و تعالیم امره العظیم در این
 جوار پر انوار از آستان ملک مختار موفقت دائمی
 آن امنای حرم الزامات قلب مستندی مطمئن بوده و مستر

بند آستانش شوقی ۱۹ دسمبر ۱۹۲۸

نویسندگان: حضرت آیت الله العظمی خراسانی
 و سایر بزرگان علمای کرام

هیئت مدبره محافل مشق نطق ایدم الله تعالی
 هو الله تعالی
 وجوده نافسه مستبشره اسامی ان نفوس مبارکه بمخاطب انور همان
 غصن سدره رقیبیه روحی لاجب الفداء رسید و سبب
 ظهور عنایت آن وجه رحمانه گردید که از خداوند چون
 همی خواهم که آن هیئت روحانیه در نطق و بیان
 علم بالهامات غیبیه گردند و کاشف رموز و اسرار
 سبحانیه شوند در همین تعالیم مقدسه سحر مبین بنمایند
 و در اثبات لزوم نظام روحانی و لائل محکم و مبین اقامه
 فرمایند بنیان اوام و جهالت براندازند و آیات
 و انش و حکمت بر افرازند تا نفوس از رسوم و عادات مضرة
 بختایند و بچنانی مسائل البتیه پی برند از عوائد قدیه
 چشم پوشند و با بختاری و تعالی در این قرن نورانی است
 بر خیزند بکعبات غیبیه و نایب الایام بیه نفوس معوش شوند
 که جان جانها کردند و روح بعالم امکان دهند بقیامتشان
 عالم نفوس عالم دیگر شود و معارفشان منافع قلوب نوع بشر گردد
 و پس از اعلی فضل الله بفرز با بر بارک مرقوم شد جسد نیز در کجا

بخط مبارک مرقوم شده است

اعضای هیئت محترمه را تا میدی شدید از رتبه محبت
 خواهم در احیان توجه نضیح باستان مقدس کنم و
 ان حسیان را بنجاح و فلاحی با برود این امر خلیع خواهم
 انشا الله برود آیام و محبت و استقامت آن عزیزان
 جوانانی در ظل امر محشور و معوش گردند که در نطق و
 فصاحت سحر مبین شوند و در اقامه صحیح قاطعه
 آیات با مسره این امر با زمین ترین و مداو
 لازم تا بقوه روح القدس اسرار الهی آشکار
 گردد و از افسنده و هویت نفوس زکیه اشعه
 ساطعه هم عظیم ساطع و لامع شود آن اعضای
 محترمه بشدید القوی مؤید جدید بلنج و سعی
 متادای لازم تا آنچه مکنون است ظاهر و مشهود شود
 بنده استعانتش

شوقی
 فریادگاه بندستان حضرت عبدالعزیز است که بر روحانیان
 ۱۳۰۵

و عده داده ظاهر فرمود و عنقریب آنچه در ضمن
 تقدیرستور و مخزون است از پس پرده سترو
 خنایا صبح افتد از برون آید و شهره آفاق شود
 میر و تحمل لازم در بیان مقام صابری الهی این
 کلمات عالیات نازل " فوالله سوف
 یظفره الله فی قباب العطره بعبیر الودی الذی یطلبنا
 کتبت لئلا النور من افق الروح بحیث یختلف الایضا
 عن ملاحظه و علی فوق رأسه بناوی منادی الله
 من ذالذوالذی صبر فی الله فی ایحویه الباطله عن
 کل ما فعلوا به المشرکین و یتبرک به اهل طایفه علی
 و یشاق لقاء اهل النرات و اعیین القاصرات
 فی سر اوق قدس جمیلا " الحمد خدا را که با وجود همه
 از راجح رسوم و خوران نایره امتحان و اقسان
 از اولیای این سینه متزاید و مسل مکر و عدوان او
 تا ایفات صحفه کذب باطله خائسان و یوفایان و
 تزلزلت و تحریفات و اندازات و اهل
 دنیا بایه احسن بیان و معاوضت و معاشرت

روای

زو ساری قنایست و اویان و این غماض من افوا و
 زما در ارا ان او نشئت مثل مؤمنان و شکست
 دما بر بینه مظلومان آیین جهان آرا می مولای عالمین
 در خطه مبارکه ایران از خمره ستر و جفا قدم بزور
 نهاده در عرصه شهود و میدان مبارزه نخستین
 جلوه دیرینه را ظاهر کرد و پدید از فرموده و صحیح بر
 آورده فدائی بحال علی علی الله استقلال آن
 اسیر عوالبه انه محی العالمین لیلوا ان من ترفع لیا
 اساس حکم نفوذ من آنا قانا در لبر و نیا و دور
 اجراء است و اقدامات مجانی لیا قنوما و ایشاع
 بر گزیدگان امرش تمسیت ملواری روحانیه نوشته
 احتیاجات ضروریه و رفع موانع حائله و استحکام
 روابط معنویه و انتظام دوا بر امریه و انعقاد اجتهاد
 شوروی روحانیه و اجرائی انتخاباتیه مشغول
 و مجاهدین کویس باجرا و تفکات تصدیقات متخذ
 و عالمیگان خویش کاتوسس و مالوفت و مالیه و منوب
 که در او بر ایفای وظایف خیمت مقدسه خویش قیام

دور

و در ادای تکالیف بر همه موجودات با سعی و جاه از حق
 بیست جمله تقنین مجبور اهل مباروری لقیار نعم القدر در
 اطراف و اکناف آن صفت جلیل بعزم و نشاط علی تحیر العقول
 و اتحاد و اتفافی حسیل ناپذیر و کفایت و کبرای حیرت
 انجیز جمیع مشمل مومنین و توفیق و تعلیم و تخریب گروه
 مجاهدین و مقاومت نقذیات و تجاوزات مشرکین
 و تعیین و ترغیب و هشترام ملتین امر حضرت رب
 العالمین و کشف اسرار و ترویج احکام شریع مبین
 و اثبات عمومت و جامعیت آئین نازنین و تعزیر
 و تشبیه و حفظ وحدت ملت ستم دیده بهادر آن
 سرزمین پرداخته و از جنتی ناخجین و تابعین آن نمایندگان
 محترم از مؤمنان و مؤمنین روحی لغنا هم فی الله فدا
 گشته و حسده در حول نخبه اهل بهادر آن اقیم بر بلا مجمع
 و طائف و در نهایت تسلیم و رضا و صلح و صفای
 قلب و بصیرت متوجه باو امر و تعلیمات و دستورات
 صادره از امانا و کلای خویش ساخته بار آورده امان
 متزکند و بهد ایشان متمدی بر اثر اقدامشان
 سالکند

سالکند و در شفیذ و تائید بر نصیر و مسد آر جا بد و
 سعی زمین و مرو و سس و تابع و منوع دور کن
 رکن سلطنت و حکومت آتیه روحانی حضرت
 بهار الله در آن تسلیم طویل چون شهید کثیر یکدیگر پیغمبر
 دانستند و در دست در آغوشش یکدیگر انداخته
 بشانیکه جدائی و دویت و تبارین مصلحت و تشار
 و رقابت که شان دول و ظل این جهان بر
 آشوب و انقلاب است از جامعه پروان محبوب
 آفاق محو ذرائل گشته و وحدت اصلیه در عقدا
 و سلک و اقدامات اهل بهیجا حیره گشوده
 وقت آن است و لآه امور و رعیت مظلوم و
 مقهور نظری بشنون روحانی و اداری حزب
 مظلوم بنمایند اس اساس شریعه سحار تخمین
 نمایند و بر کیفیت نظم الهی و دستورات آسمانی مطلع
 و مستحضر گردند معنی خلافت کلمه الله را ادراک
 کنند و بروج آزاد شمشیر نافذ امر عجا آشنا
 شوند از تضامین و تقاضای هم و تعاون و تقال
 عناصر

غاصر مختلفه متسایره در ظل ناموس اعظم الهی عبرت
 گیرند و ستر خدا و آیت و قار از فدا نیان اسم
 اعظم بیابند و تعلیم گیرند آله الهیة و آسمان
 و له العز و البهاء و له القدرة و البقار و له الرفعة
 و الضیاء بارخ برقع استر من و پیشه بیعت السجاء
 و استغ و بطلان علی عرش الاستقلال و اظهر
 من خیات الامر ما تحت منه الابصار تعالی
 هذا المقام المتعظم المتعز المتعالی البادخ
 المنسج سوف یضع روات الکذب و الاقران
 انال بحسرة بن انیا بحسرم و یضحی فی قلوبهم
 و یضربن طلائکة لعذاب علی فهم اذا هم فی
 عشا تمسم یتون یا انما البهائم من خلیفة
 و صفوته فی بریة این عبد سدا تقصیر بدیه
 استیان فطر و در جوار مرتد نیز آفاق متضرر
 و مستهل که در نتیجه مشاورت و مذاکرات
 و نصیحات متخذه در انجمن شوروی نورانی روحانیان
 در مدینه مبارکه طهران شعله فرزند از قلب

آن تسلیم مر نفع گردد و خس و خاشاک مغزیات
 مجوله که از خالق سفلیه تراوشش نموده و فقه و احده
 بسوزاند و نه مستیخ از زجر حسد بد بر پاناما بد
 آنچه از شبهاست و اشارات که در استقل
 ایام از جهل قوم و سقله انام چون سبیل سیر
 گردد مقاومت نماید صفوف ابر نیان را
 در مس شکند و بیباکل بغضیه و نفوس منعبه را
 بیدار و متنبه گرداند و تراستید و طید این
 بعد آن است که در اثر انفتاد این انجمن الهی
 که در حقیقت اولین مجمع نمایند و کاتدر ایالات
 و ولایات آن کشور مقدس است چنان حشر
 و شوری در صد در حضار تولید گردد و
 انعکاسات ملا اعلی بر توی بر آن حسیع افکنند
 که اثراتش در انفس و ارواح مؤمنین آن اظیم
 و دواثر امریه مسدود نمایان و پدیدار گردد
 بلکه سداست به بجایگان نماید و نظر حکام و
 توانگران آن مملکت را بعلو مبد او حسن اسلوب

و سرعت نفوذ و تماشای بنیاد که از خصایص
 شریع بدیع بیخ حضرت محمد است نتایج
 سازد و لعلم عهد و الی عهد المنهج القويم
 و الصراط القائم الواضح المستقیم
 ای سروران لشکر حیات در این دم که
 بیاری حضرت رت بجهود باعث من فی
 الارضین و السموات آیات باعتراف
 رب آیات البینات بدست ملائکه نازل
 در آن اصغیبات اندکی مرتفع گشته این ندای
 اخفی و صدای جان افزا از فرقت استی بسجده
 سینه و زان چند صفت بسته بسا که در میادین فدای
 در آن کشور بر محنت و بلا مظلومیت کبری و قوه
 جمال ایمی تشبیه قلبی بجهت اسبل آن ولا مشغولند
 متواکسل آن با حلا امزی و خطه امانی و خردی
 استدراری و قیاده جیشی الغالب علی العالمین
 طوبی لکم مرتعی کم بما طهرت فطایح المنصر من افق
 دیار کم اذا استقیموا علی امری و ثبتوا اقدارکم

عظیم

علی صراطی فوزت العا سائکم باسباب
 السموات و الارض الی ان یت ابره و
 تنکشف اسرار ی و تخفق کلمتی و تستقر حکومتی
 و تعلو سلطنتی کل ذلک کتسبه علی نفسی
 فی لوح حنیط و نفسی الحق سائر کم خبیات شامری
 و بدایع صنعه و لطائف حکمتی اذ انا نصرونی
 باقوالکم و اعمالکم و اموکم و ادعایکم و ما و حکمکم
 یا معشر المجاهدین ای برادران روحانی
 ایام خوشش رضوان است و این عید
 ناتوان با جسمی از مجاوران کعبه جانان بیاد
 مساعی بسبیله و مجهودات مستمره آن
 برگزیدگان و مجاهدان سبیل حضرت
 رحمن پر روح در بجان بذر کرمان و سازیم
 و از بهوب نسیات حبت و وفای سلطان
 پر وجد و مستزاز در طلب مصونیت و
 موفقیتان در این جوار همواره بارتی انباز
 در راز و نیازیم و در نهیل و مجید این جشن
 عظیم

عظیم

عظم مبارک المی با آن یاران مستوی
 مسموم و هم آوازه افروخته نفسی که در این
 روز فیروز و عصر همبان افروز ساعات
 و دقائق حیات گرانمای خویش را
 صرف اعزاز و اشتها و استخلاص و
 نصرت و استقلال این آیین عظم المی
 فرمود و محبت قلبی که بجز بسط و مویش در این
 تنگ و تاریک نشاء آرزوئی نکرد
 پس خوشحال شما که این مقام
 ملت اعلی را جازید و باین وظیفه عالی
 متعالیه کبری مفتخر و فائز بیش حقیقت
 فخران صف درید و شمار خودیت
 کبری را فارسانی شجاع و دلیر برور نام
 و تاج شورو اعوام آنچه در هویت این امر
 خفی لطف اعز اعلی کنون و محزون و
 مندرج است کثوف و پدیدار گردد و
 رفت مقام آن سه و دران عظام در

باین نام واضح و مبرهن شود و این چندان
 لوعده غیر کذب
 یا من آ الرحمن آنچه در خصوص قضیه عمل
 احوال مرقوم نموده بودید بدقت مطالعه کردید
 و مقصود مفهوم گشت عجز آنچه را در این
 خصوص بجا فل مقدمه روحانیه دستور داده
 موافق و مناسب لعل الله بحدیث بعد
 ذلک امر از قضیه همچنین قرار آن محفل
 مقدس راجع باقتدام خادم صمیمی امر الله
 اقا هو شکر از دوشیر مقبول و حساب
 باعضای محترمه محفل روحانی یزد اطلاق مید
 و این عهد نیز مستقیما با آنان مخیره نام
 و دستور رسم که آنچه را متفقاً اند و محفل
 نورانی تصویب نمایند مدوح و مطلوب
 این عهد است از ظهور و برورش است
 و ثبات و استقامت و تعلق مضبوط
 جنیب نورانی بازمی صمیمی جناب اقا

محمد حسین کاشانی روحی لوفانه الف تدا
روح و ریجان و سرور و اطمینان حاصل
گشت امیدوارم برور ایام نضایح مشفقاً
ان و الیه مؤمن ثابت پروفا در آن لیسر
منزلزل بی وفا تا اثرات کلبه نماید و عملاً
خلوص و تمیزیت و تشک خویش را بیادگی
سایه امر الله اثبات نماید علی
العجاله مکالمه و مرادده پدر با پسر را نمائند
نمائند امید این عبد آن است
نتایج مستحقه متذکر خاطر هر و دیدار
کرد ... حفظکم الله و ابدکم فی بلج
اشیون و الأحوال بنده استانش
شوقی

- ۳۰ - آپریل

۱۹۲۸

فدایه درگاه بنده آستان حضرت عبدالبار
جل شانه علی اکبر و علی استغاث نمود اردی بهشت

طهران ... نوابت اهل بهار نجوم در برهنه ساطع افق بدری
و کما ای دوین انجمن شوزوی روحانی پروان بنال ایلی و
انتهای مفضل مرکزی در آندیسینه مبارکه نور آفرین روحی لهم
الفداء طراً ملاحظه نمایند
باز حال الامر و نواب و پیشه فی دبار و کینوتی و ماوتی
زنی فدا و لاکم و شاکم صلی امر عبده الله مهینا اهل بین علی
الارض اجمعین از قریه عنبر شمشیر بیعت مجله و کما ای
رو و بین انجمن روحانیان در خطه مبارکه ایران
مکانیست اخیره اعضاء مجتهد مفضل مقدس روحانی
طهران بتاريخ ۲۱ آبریل و ۲۱ و ۲۰ می و ۲۰ و ۲۰ طبر
مع محتوبات کل سال بشطر تقدس و صل و برینا من فرج
بمکن برکت استخار کامل کشت در واج منکبه
حیت و اولاً و القیت لوف و فاصح و صفای زمین
خامزدش متضوع و آبات با برایت لبتول و
در سوغ بر عهد اونی از الفاظ و عبارات ساطع و لاس
شاید در شب یوم طفر و استفحال و استخار و استفحال

کاین

این حضرت ذوالجلال از اشارات و دلالتش
 ظاهر و باسیر و علامت و آثار تحقق و هوو البینه
 از خدای معانی مشرق و لایح قلوب کسبیه از
 مطالعه اش نشاط و تسلی نیابت و نفوس پرورد
 از مرده های سرت اگر بشن بفرج الهی و سازگشت
 خوشحال شما ای برادران روحانی که این مقام
 پسته اعلی را حاضرید و بهیچ خدمات مشغله
 با بهره ای مفضل و فایز با خلاق الهی متعلقید و بیست
 و اوصاف سروران چند مجاهدین دران سرزمین
 رتبه برون سادده عبودیت کبری مستفاد
 چایسید و ودیعه الهیه را با وجود ملامت درای بلا
 و طغیان جور و جفا دران محیط پراستلا گهسان و حاکم
 و می آرام نشینید و آئی استراحت بخوبید
 بر اثر اقدام آن خیر حسیفی با غمی تزلزل پذیرید
 و نیاز از سالیکید و پشارات و اندازارانت
 صادره از قلم اعلی و کثاد و مطمئن علیکم ایما ابها
 این کلمات از کلم الهی ایستهبند از کلام و علیکم

من صلوات الله علیها و ابها ما کم سوف یکشف الفضا
 باذن الله عن وجه الامر کم سوف نظر خضائه او تخرج با بانه
 و تمکن تعالیه و تقسم آثاره ملک انوار من انصاف
 الی انصاف بوسه یذی فرج المؤمنون بفرج الله ذی بروج
 المکذوبون سپاس خلیل ذی علاز اشایسته و سرا
 که بیروی بزدان و اثر تعالیم اسمانی حصه رحمتیه
 در آن کشور نورانی ازین پروان پرورده بد غایت
 خویش برانگشت و بر خط و مرانت و تحلیل و تعلیم امر
 الهی آن میراث رفوف با ودالی بگشت اعتراف از
 و اشتیاق را بطرف فضل داراده خویش کفایت
 نواب ملت برگزیده خود سپرد و بشویر قلاع قلوبنا
 ضیاء مجتبه در آن صقع جلیل با نور ساخت ایادی پسته
 سیاست الله را بنجبه و زمین شریعتش یکیکت با حجت
 و بنیاد زمین دین الله را بدست با بیان صریح ششیده
 قلب آن اقبیه مجید نهاد نتیجه سببها نیل را از نیاید
 مختلفه با سنگ حکوتی صلازد و در نقطه مرکب
 بروران حبش عرمم الهی را در ظل لواء معقودین مجتهدین

در نسبت امور و ترویج مصالح و تشدید روابط و تنظیم
 و استحکام دعائم جامعه و کفایت مراکز و بلدان فرمان آسمانی
 صادر کرد و ایجاب و تنفیذ نصیحتات متخذة در مجمع تحقیق
 گروه مؤمنان و مؤمنین را در تمام ایالات و ولایات
 آن سرزمین مؤید و موفق داشت چنانچه تقریر بیست
 و نهم در اهدت مشروح که اخیراً با عرض مقصود رسیده و در مجمع
 مجاورین کتبه معبود خزانة گشته و در اکر امریه در مالک مجری
 ارسال شده و دارای خلاصه مذاکرات آن مجمع کورانی است
 شاهد مثبت و مؤید این مخالفت فو قفس البها
 با فلتن زاد امر استهتالاً و استهتاراً و ابرتس لهما
 قلوب الأبرار شغفا و جوراً و ارتعدت منها و انص
 الأستدر اضطراناً و اضطراراً و اخذ العرب سكان
 تلك الأرض يستأويانها و منلت مشارق الأمر و
 مغاربها مجدداً و عزاً و انواراً ان یا و کلار البهار و سفراء
 فی مملکتہ ان افروا فی قلوبکم ثم بشر و انی انفسکم ثم
 استنصر و اجما انکم و بارکم با انکم شدید القوی و
 خضتکم بهذه الموبیة الکبری و منکم هذه العظیة العظی و

بر اکم الی هذا المقام الأرفع الأسنی و اجباکم لأمر متوق البیه
 بیائل المتعین فی ابجته الماوی و ایقنوا بانکم اذا صبرتم و حتم
 اقدامکم و سلکتهم منها ج ربکم و انتم ما و کلکم به مولاکم اذا صلبتم
 علیکم الملائکة علی و یستبرکن بوجودکم بیائل الصافین اکثرین
 فی اتانق الأعبی و یطوفن حولکم ملائکة القدس فی الرؤف
 الأسنی و یشرن بکم بأصابعهم سكان مدین البقا و
 یستنیزن بکم طلعات القدس فی ابجته العلیا و منزل
 علیکم جنود النصر و التاید من ملکوتہ الأسنی جینید
 یرفع الذنار و یدلع دیک العرش و ترن حمارة القدس
 فوق رؤسکم سبوح قدوس رب الملائکة و الروح
 النور و البهار و العزة و السناء و لیالی و الویل و العذاب
 لأعدائے القلبة و البینه لأصغیالی و النار و الخذلان
 لمن نقض عدی و میثاقی انتم اودائی و اخلائی قد
 جنتکم الیوم سلطان نصری و جروت سلطنتی
 طوبی لکم با اتبعتمونی مرحی بکم با نصرتمونی فاقه جنتکم الیوم
 امة و جنتکم الوارثین المنتهتة کما یشرهم بینه عالیة
 متعابہ رسترة متراذیه بکریدیکان حضرت بهار امة در
 ان

قواعد انکس و عا و اعتم لانتها لا یمن ولا ینفیکم
بل سنن امته انتم فانظرون ومن شاء فلیتخذ مننا
التصح لثقه سبیلا الی الله فمن شاء فیرج الی ربواه
ان ربی لثقی من کل من فی السموات والارض ومن
کل یامم یقولون او یصلون

ناتج ایجاد نشیید روابط تشبیه رسمیه با دیگر
امور محلی و مرکزی است اعضای محافل روحانی
علی الخصوص انسانی محافل مرکزی اقالیم شرقیه باید
در این ایام در کمال حسرم و اعتدال جامع خود را
از زوایای مظهر قبول و حضارت بهره شهود
وقت در انتقال دهیند و در هیئت اجتماعیه
اعضای غالبه و اصناد قاسمه و ایاری فعاله
گردند و بیافت و کفایت و استعداد و
امانت و درایت و حسن طوینت خویش را
در انظار حکام و زمامداران ابراز و اثبات نمایند
ولی مقصود این نبوده که بار و نای سیاسیست
بمراز و دمساز گردند و در سیاست دولت

داخله

داخله نمایند و با اعراض مشارکت نمایند
چنانچه از قبل تا کب گشت اجای المی باید در
این ایام در کمال مراقبت و دقت و خلوص مشور
اداریه را از مشغولون سیاسیة تفریق و تمیز
دهیند و طایف اداری را بدل و جان
قبول نمایند بلکه سعی موفور در تحصیل آن
مبذول دارند تا فعلا و عملا امانت و کفایت
و حسن نیت و صفای عقیدت خویش را
اثبات نمایند و تجربه رساست و دل از
وظایف سیاسی که مرتبط است دولت
و منازعات و مخاصمات احزاب و مصالح
حکومات خارج است اجتر از نام نمایند
ملاحظه نمایند اگر چنانچه اجای المی در بلاد ترکیه
سه موی در امور سیاسی داخله نموده بودند کل
باشد بلا استثنا میگشایند و حکم نفسی دادند در حق
اکثری مدور و تنفیذ می یافت ملاحظه نمایند که
بهمرازی این حکم و قین از قسم جنان عاری گشت

بسیار

فی بزرگوار بید و نه فی علی بحال بنادی قدانی المقصود سلطان
 اعز و الاستقلال و لوید فتونی الارض بطلع من افق السماء
 و یطلق با علی التذآر قدانی البهآر بلكوت الله المقدس العیز
 المختار ، طوی نكشد چشم هر سو دل و د معاند عنودی
 مصداق این آیه مبارکه را ظاهر شده است و مشهور است که
 « قدمت كل فرقة بان يطعنوا نور الله الى الله سلطان
 من عنده الى ان ملا الآفاق » یا امنا آ البهآر و
 خلفا جته از مضمون آیه بیست مجله نمایندگان چنین
 استفاد میشود که آن سروران عظام میتا و مستعد اجرا
 دستور العمل مخصوصی از برای تشکیل محفل مرکزی عمومی روحانی
 بر طبق تعلیمات مخصوصه الهیه متذکره و طبعاً بعد آن است
 که آنچه در الواح و وصایای حضرت عبد البهآر روح الوجود
 لغزته الفدآر راجع کیفیت تشکیل محافل روحانی مرکزی
 و اجرای انتخابات عمومی مسطور و مخصوص است آن نمایندگان
 محترم بشورت و اتفاق و صوابید اعضای محفل روحانی
 بدین طرز و بمعاضدت و معاضدت عموم محافل روحانی
 در آن سامان و بتأیید و کوشش جمهور بهایبان در اقلیم

مبارک

مبارک ایران متذکره و متفقانه حکما و خالصانه بر ایجاد و
 و رفع موانع و اجرای نهیجات و کتب معلومات و تهیه
 مقدمات لازمه قیام نمایند و آنچه از حیث اصول رایج
 کیفیت انتخاب فلم میباشق تصریح فرموده آن است که باید
 محافل مرکزی روحانی بهایبان که من بعد بیوت عدل
 خصوصی معروف و موصوف خواهند گشت خود مستقیماً
 اعضای بیت عدل اعظم الهی را انتخاب نمایند و همچنین
 مخصوص و مصرح است که این محافل مرکزی در ممالک شرق
 و غرب باید با انتخاب عمومی در مسیره ملکیتی علیحده بخوی
 غیر مستقیم منتخب شوند یعنی جمهوریت در رتبه اولی
 و کلاهی خویش را انتخاب نماید و این بیست و کلاهی منتخبه
 که حال در خطه ایران با بجمن شوروی روحانی موسوم
 و موصوف است در رتبه ثانیه بیست مجله محفل
 مرکزی آن اقلیم را مستقیماً با انتخاب عمومی انتخاب نماید
 حال نظر بوسعت جامعه امر در آن تسلیم جلیل و تعداد
 محافل روحانی و تأسیس فتنهای امریه احسن و اولی آنکه
 و کلاهی جمهوریت را که بعد مبارک نو و پنج تعیین و

تخصیص

تخصیص و تجدید گشته در هر قسمتی جداگانه جمهور مؤنسات و
 مؤنسات از سن بیست و یکت نه محافل محلی روحانی و آن
 قسمت انتخاب نمایند یعنی قده مستی از وکلا با نسبت
 بنعداد بهائیان آن قسمت مستقیماً از طرف جمهور اجبای آن
 قسمت انتخاب کرد بخو که مجموع وکلای تمام قسمتهای
 امریه بالغ بنود و پنج گردد و از این عدد مبارک تجاوز نماید
 و تعیین و تخصیص عدد وکلا از برای هر قسمتی از قسمتهای امریه
 راجع بجز روحانی مقدس مرکزی آن اقلیم است و چون
 این بیست وکلا از طرف جمهور بهائیان در هر قسمتی
 انتخاب گردد باید این بیست مجلده نمایندگان اگر چنانچه
 از جنسین در نقطه ای از نقاط غیر مبر و مناسب با انتخاب
 کسبی مباشرت نموده در هر سنه فی در ایام عید عید
 رضوان از زمین عموم بهائیان آن کشور مقدس مجتمعاً
 بنظر ایشان وقت و خلوص نیت و حکمت و مشا
 و عدیت انتخاب نمایند این نه نفر اعضای محفل مرکزی
 آن اقلیم خواهند بود پس معلوم و واضح گشت که بر
 حسب تعلیمات مقدسه حضرت جد البهار بیوت عدل
 ضری

خصوصی که در وقت حاضر محافل مرکزی روحانی معروف مشهورند
 منتخب ششمینند و ارکان بیست عدل اعظم آل محفل منتخب
 مستجین حال آنچه از لازم لوازم و احتیاجات و تمیذات
 ضروریه محسوب است ایجاد و سائل متقصد بهمت و
 واسطه بیست نمایندگان و معاوضت محافل روحانی
 در هر قسمتی از برای بخش و تعیین وقت عدد کامل جمهور
 مؤنسات و مؤنسات در هر قسمتی از قسمتهای امریه
 بنده باشد و مؤنسات و مؤنسات تعیین نگردد و معلوم نشود
 و احصائیه مرتب صحیح کامل بدست نیاید اجرای
 انتخابات قبیه روحانیه که از لوازم تشکیل و تأسیس
 محافل مرکزی روحانی است غیر ممکن و چون نتیجه
 تحقیقات راجع باحصائیه از تمام قسمتهای واسطه
 نمایندگان بطهران ارسال گردد از آن مرکز پس
 از مشاوره و مذاکره با اعضای انجمن شوروی روحانی
 قده وکلای هر قسمتی تعیین و اعلان و ابلغ شود و
 آنچه از تفزعات غیر منصوصه است از آن بیست
 مجلده عموم بهائیان آن اقلیم در ضمن مستد المال مخصوص صادر
 گردد